



تک شماره ۱۵ ریال

بازوی کار طبقه کارگر در خدمت اهداف انقلاب

گذران طبقه کارگر بیشتر از پیش دشوار است و این زحمتکش ترین و محرومترین طبقه، زیر فشار بیکاری، گرانی، کمی دستمزد پشت خم میکند. رژیم پیشین، بنا به خصصت ضد کارگری خود، انبوهی از مشکلات در زمینه گرانی، بیکاری، دستمزد ناکافی، نبود مسکن و غیره از خود برجای گذاشت، که انقلاب، خواه ناخواه، وارث آنهاست و باید طی زمان به حل آن اقدام کند.

اعتصابات کارگری در دوران قبل از انقلاب، که نقش اساسی در شکست امپریالیسم و ارتجاع و سرنگونی رژیم خان و جانی شاه مخلوع داشت، خود بطور طبیعی دشواریهای تازه‌ای را بر معضلات پیشین افزود، که حل منطقی آنها باید در برنامه کار دولت موقت باشد.

پیروزی انقلاب موجب شد که عده‌ای از سرمایه داران استثمارگر، ثروت‌های بادآورد خود را، که حاصل دسترنج زحمتکشان بود، بحسابهای بانکی خویش در اروپا و امریکا انتقال دهند و خودتین کارخانه‌ها و موسسات صنعتی را متوقف سازند و از ترس خشم مردم بخارج بگریزند. در نتیجه میلیونها کارگر به خیابانها ریخته شدند و نرخ بیکاری به چند برابر افزایش یافت.

در دوران بعد از انقلاب، که دوران گذار و سپس سازندگی است، عده‌ای از کارفرمایان و سرمایه‌داران، که بنابر ماهیت طبقاتی خود، دل بازویم گذشته دارند، بانواع کارشکنی‌ها دست‌زده با تعطیل و نیمه تعطیل ساختن کارخانه‌ها و اخراج فوج فوج از کارگران زحمتکش در واقع چوب لای چرخ انقلاب می‌گذارند

وزینه را برای بهره برداری ضدانقلاب آماده میکنند. فعالیت گروههای ترقه افکن و چپ‌رو و چپ‌نما در میان کارگران و طرح شعارهای بظاهر فریبا و انقلابی، این اوضاع نابسامان را نابسامانتر ساخته و موجب شده که بخشی از کارگران بدام این تبلیغات نادرست افتاده و برای اجبار دولت بقبول خواستهایی که در شرایط کنونی واقع بینانه نیست نیز از حربه اعتصاب و کم کاری استفاده کنند.

ناید فراموش کرد که در لحظه کنونی امپریالیسم، با استفاده از تمام امکانات دوزخی خود، در کمین انقلاب ماست، امپریالیسم حاضر نیست از منافع غارتگرانه و نامشروع خود در ایران، باین آسانی چشم پوشد. در شرایط کنونی، یکی از حربه‌های عمده امپریالیسم و عوامل داخلی آن، ایجاد و گسترش نارضایتی در میان مردم است، تا بتواند در لحظه مناسب نقشه‌های شیطانی خود را علیه انقلاب به صحنه آورد.

برای ایجاد نارضایتی در میان طبقات و قشرهای گوناگون مردم، ضد انقلاب، اقتصاد کشور مارا فلج می‌خواهد. او می‌خواهد بامتوقف ساختن چرخ صنایع،

کشاورزی و تعطیل امور عمرانی و ساختمانی که موجب بیکاری، کمبود کالاهای صنعتی، کاهش مواد غذایی و فقدان مواد خام مورد نیاز صنایع میشود، این فلج اقتصادی را تحقق بخشد. در چنین اوضاع و احوالی، وظیفه هر مبارز میهن پرست، هر عنصر و سازمان آگاه و مترقی است که با تمام نیرو این نقشه دشمنان انقلاب را عقیم گذارد.

قبل از انقلاب، امپریالیسم و ارتجاع ادامه کار در رشته‌های مختلف اقتصاد و بویژه نفت را بسود خود قیدانست و بدینجهت هر اعتصاب و کم کاری را باتمام قوا سرکوب میکرد. اما علیرغم خواست امپریالیسم و ارتجاع تمام طبقات و اقشار انقلابی و پیشاپیش آنها طبقه کارگر، و از جمله کارگران مبارز نفت، از حربه اعتصاب پمنا به کاراترین سلاح استفاده کردند و بردشمن پیروز شدند. اکنون، در دوران پس از انقلاب، وضع بعکس است؛ یعنی دشمنان انقلاب در موضع تخریب و اخلال و نیروهای انقلابی در کار تثبیت و سازندگی هستند. از آنجاکه ضد انقلاب خواهان اعتصاب و کم کاری و مختل ساختن اقتصاد کشور است، وظیفه نیروهای انقلابی و پیشاپیش آنها طبقه کارگر است که دشمن را ناکام کند و در راه بنیانگذاری یک اقتصاد مستقل و سالم، از همه توان و نیروی خود استفاده نماید.

حزب توده ایران، که صدیق‌ترین و پیگیرترین مدافع منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران است، نمیتواند نگرانی خود را از ادامه اعتصابات، که به

صحنه اقتصاد کشور خواهد انباشت، پنهان دارد. تردید نیست که ما با همه نیروی خود از خواستههای منطقی کارگران پشتیبانی میکنیم و از دولت حصرا میخواهیم که به مطالبات مشروع، قانونی و برجسته طبقه کارگر توجه عاجل مبذول دارد. دولت باید با بر آوردن خواستههای منطقی کارگران، با جلوگیری از خرابکاری کارفرمایان و سرمایه‌داران و عوامل ضد انقلاب، دربراه انداختن چرخ اقتصاد کشور مجدداه بگردد.

اما همچنانکه خواستههای منطقی کارگران مورد علاقه ماست، سر نوشت انقلاب ایران نیز در مرکز توجه علاقه، قرار دارد. زیرا که بدون حفظ و تحکیم و گسترش طبقه در صحنه ۲

از نظر نخست وزیر، امپریالیسم امریکا دشمن اصلی مردم ایران نیست پیرامون نطق شگفت انگیز نخست وزیر

نطقی که آقای بازرگان، نخست وزیر دولت موقت، بمناسبت قیام پانزدهم خرداد، از رادیو تلویزیون ایراد داشت نطقی بود در واقع شگفت انگیز. اگر این نطق از جانب شخص غیر مسئولی ایراد شده بود، شاید بهتر میبود که آنرا بعنوان بیانات غیر مسئولی تلقی میکردیم و سخنی در باره آن نمی‌گفتیم. ولی بیانات نخست وزیر قاعده‌تاً سخنان مسئولی است و لذا از کنار این نطق نمیتوان گذشت. در این نطق دراز، که ظاهر آهدهش تشریح مبارزات مردم ایران در راه استقلال و آزادی، آرزوهای تحریم تنبکوت با امروز بوده، حتی یکبار هم کلمه امپریالیسم بکار نرفت. کلمه استعمار نیز از طرف نخست وزیر در مورد ایران، همچون «عبارتی که متداول شده و صحیح نیست» بکار برده شد.

اگر از این دو نکته جانب بگذریم و نیز نظریات خاص آقای بازرگان را نسبت به تاریخ مبارزات گذشته بکار گذاریم، به نظریات ایشان نسبت به انقلاب کنونی ایران میرسیم. این نظریات بنسبت عجیب و غریب است.

رویدادهای ایران

- ۱- چه کسانی و برای دفاع از منافع چه طبقه‌ای خواهان اخلال کیمته‌ها هستند
- ۲- خلق سلاح عمومی هنوز زود است.
- ۳- حقایق مربوط به روابط اقتصادی ایران و شوروی از زبان پروادا،
- ۴- در آمل با نزول خواران مبارزه جانانه‌ای شروع شده
- ۵- پاکسازی در دانشگاهها لازم است
- ۶- ایران کارشناسی جنگ داخلی امریکا را نمیتوان سفیر نمی‌پذیرد.
- ۷- ایران به کشورهای غیر متعهد می‌پیوندد
- ۸- سفیر ایران در شوروی در تهران است
- ۹- مردم خواهان ریشه کن کردن اعتیاد در ایران هستند.

موضوع خیزها در صحنه ۲

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران و افکار عمومی

ضمیمه «مردم»، مورخ ۱۲ خرداد که نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران در آن چاپ شده بود، بازتاب وسیعی در میان مردم و محافل مختلف سیاسی، که بطور جدی و با مسئولیت با اوضاع ایران برخورد میکنند، پیدا کرد. بگذریم از اینکه نسخ آن در بسیاری از نقاط سرعت نایاب شد و علاقمندان متعددی ناچار بدفتر مرکزی «مردم» مراجعه کردند تا نامه سرگشاده را بدست آورند و بداند که حزب توده ایران، به نیروهای علاقمند به سر نوشت و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران چه خطایی دارد و چرا لازم میدانند که برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب باید متحد شد و برای پیدا کردن راه حل انقلابی مشکلات کنونی دست یگانگی بهم داد.

علیرغم اینکه جرایم کثیر الانشار و رسانه‌های گروهی دولتی نظیر رادیو و

طبقه در صحنه ۲

رویدادهای ایران

● چه کسانی و برای دفاع از منافع چه طبقه‌ای خواهان انحلال کمیته‌ها هستند.

همزمان با اظهاراتی که از سوی مقامات دولتی و خود رئیس دولت درباره کمیته‌ها و پاسداران انقلاب می‌شود، روز ۱۴ خرداد، در روزنامه اطلاعات، آگهی بلند بالائی از سوی مدیر عامل شرکت لایم ورنس هیت مدیره کارخانجات صنعتی ورزیده کار، با ۶۰۰ کارگر، چاپ شده که از نظر قابل توجه است. این آگهی خود بی‌انگیز این پرسش است که چه کسانی و برای دفاع از منافع کدام طبقه خواهان برچیده شدن بساط کمیته‌ها و پاسداران و شکل گیری شتابزده ارتش هستند.

ایشان در آگهی خود، ضمن اعلام اینکه گویا در گذشته عضو فدائیان اسلام بوده و ست شاگردی دکتر علی شریعتی را نیز داشته‌اند، از امام خمینی می‌خواهند که دستور سریع و فوری برای انحلال هر چه زودتر کمیته‌ها را در سراسر کشور بدهند، البته تحت نظر دولت؛ ایشان همچنین پیشنهاد کرده‌اند که از کسلیه افراد غیرمسئول، اعم از روحانی و عادی در امور اجرایی و قضائی (که لابد منظور دادگاه‌های انقلاب است) خلع ید شود و اختیارات کامل و صددرصد به دولت داده شود و از آن حمایت مستمر گردد.

آیا نیازی می‌بینید به تفسیر اینکه، چه کسانی و از دیدگاه کدام طبقه اجتماع خواهان انحلال کمیته‌ها و... هستند؛ و کدام قشر و طبقه خواهان تحکیم قدرت دولت‌اند؟

● خلع سلاح عمومی هنوز زود است

سرپرست استانداری فارس، در یک مصاحبه که پس از بازدید از مناطق جنوب شهر شیراز ایراد شد، گفت: «شخصاً معتقدم که فعلاً خلع سلاح عمومی زود است و در انقلاب مشروطیت پس از خلع سلاح بود که رضاخان زمام امور را بدست گرفت و مملکت را به این روز انداخت. ما نمیتوانیم افراد مجاهد را خلع سلاح کنیم، زیرا اینها اگر امام پیشنهاد کنند، بلافاصله اسلحه‌های خود را تحویل خواهند داد.»

آقای احمد مدرسی زاده، سرپرست استانداری فارس، همچنین گفت: «به افراد پس از بررسی پروانه اسلحه‌داده میشود و چنانچه از این پروانه‌ها در خلاف جهت انقلاب استفاده شود، آنها را توقیف خواهیم کرد و همچنین با ورود اسلحه‌های شدیداً مبارزه خواهد شد.» وی ضمن قیدردانی از کار کمیته‌ها گفت: «البته کمیته‌های انقلاب به همین شکل باقی نخواهند ماند و بفرمان امام در سراسر کشور کمیته‌ها تصفیه و پاکسازی خواهند شد و برنامه کار آنها زیر نظر قوه مجریه در خواهد آمد.» وی در مورد جمع آوری سلاح‌های غیرمجاز و مبارزه با مواد مخدر و گرانفروشی که قبلاً توسط ستاد انتظامی نیروی هوایی در شهر انجام میشد، گفت: «پس از بررسی‌های لازم، احتمالاً این امور مجدداً به ستاد نیروی هوایی ارجاع خواهد شد.»

● حقایق مربوط به روابط اقتصادی ایران و شوروی از زبان پروادا.

روزنامه پروادا در مقاله‌ای به مفاسد جوئی‌های غرب برای دگرگون‌چلوه دادن روابط اقتصادی ایران و شوروی پاسخ داد و درباره صدور گاز ایران به آن کشور دلائلی ارائه کرد، که برای تمام آنهایی که با منطق و استدلال سروکار دارند و از حسن نیت برخوردارند، قانع‌کننده است.

روزنامه پروادا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، در برابر اتهامات روزنامه‌های غرب که گویا شوروی با دریافت گاز، ثروت‌های ایران را غارت میکند، نوشت که لوله گاز ایران، که با کمک اتحاد شوروی ساخته شده، گاز را تنها به شوروی انتقال نمیدهد، بلکه از این لوله برای تأمین نیازمندی‌های داخلی ایران نیز استفاده میشود. پروادا نوشت که این لوله که در سال ۱۹۶۵، بدرخواست ایران احداث شده، به ایران امکان میدهد که در عرض صدور گاز، سازو بزرگ و ماشین آلات صنعتی، که برای اقتصاد ایران ضروری است، از شوروی دریافت کند.

درباره مبادلات کلی ایران و شوروی، پروادا نوشت که اقتصاد شوروی، برخلاف کشورهای سرمایه‌داری، در جستجوی منافع کلان در ایران نیست و یکی از دلایل این مشی، باقی ماندن کارشناسان شوروی در جریان انقلاب ایران در این کشور است. و این در شرایطی بوده که کارشناسان دیگر کشورهای، ایران را ترک کردند تا چرخهای اقتصاد ایران، پس از پیروزی انقلاب نیز از حرکت بازماند. پروادا در پایان نوشت که اتحاد شوروی در همین حال که از انقلاب ایران پشتیبانی میکند، میخواهد روابط همه‌جانبه خود را با سوسیالیستی‌اش بیش از پیش استوار سازد.

● در آمل با نژولخواران مبارزه جهانی‌ای شروع شده.

کارمبارزه با نژولخواران در تعدادی از شهرها سخت بالا گرفته است و این در شرایطی است که در بسیاری از شهرها این مبارزه بحق، بعد یا غیر عمد، به فراموشی سپرده شده است. گلولی هزاران محتاج و زحمتکش، که برای گذران زندگی مجبور به گرفتن پول از نژولخواران شده‌اند، همچنان در دست این نژولخواران است. همزمان با دستگیری تعدادی از نژولخواران مفت‌خوار تهران در مرحله‌های مختلف، از آمل نیز خبر میرسد که در همین اعلامیه طرفداران نهضت اسلامی

آمل، نام پنجاه و یک تن از نژولخواران این شهر اعلام شده است که در بین آنان نام عده‌ای از سرشناسان آمل، از تجار، مالکین و کارمندان شهر بچشم می‌خورد. در این اعلامیه، آمل یکی از مراکز نژولخواران مازندران معرفی شده و از تمام مردم شهر خواسته شده است که از پرداخت بدهی خود به نژولخواران خودداری کنند.

● پاکسازی دردانشگاهها لازم است

شورای انقلابی تزکیه دانشگاه تهران، پس از بررسی مدارک موجود و پرونده‌های مربوطه، ادامه کار ۳۸ نفر از نظامیان بازنشسته‌ها، که تصدی انتظامات قسمتهای مختلف دانشگاه را در رژیم پیشین بر عهده داشتند، مقایلر با اصول و مقررات آموزشی دانست و آنان را برای همیشه از دانشگاه تهران اخراج کرد. رژیم مخلوع شاه در گذشته، با استفاده از این نوع افسران بازنشسته، درون دانشگاه‌های کشور یک شبکه کنترل و جاسوسی بوجود آورده بود که اداره آنها بهمه ساواک بود. در دانشگاهها با برچیده شدن بساط ساواک و پیروزی انقلاب و تضمین آزادیها حضور این افراد، هم زیان بخش و هم خطرناک است. امید است که سایر دانشگاهها به دانشگاه تهران تاسی جویند و ساحت مقدس دانشگاه را از وجود ساواک پاک سازند.

● ایران کارشناس جنگ داخلی امریکارایعنوان سفیرنمی پذیرد

آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بدرستی اعلام داشت که سفیر جدید امریکادر ایران را نمیتواند بعنوان نماینده بهبود روابط ایران با امریکا بپذیرد.

واقعیت اینست که دولت امریکا در شرایطی آقای کاتلر را بعنوان سفیر آن کشور در ایران انتخاب کرده است که سنا امریکا بوضوح نشان داد که سیاست کلی امریکا درباره انقلاب تازه پیروزی ایران چیست و به رویدادهای فعلی ایران چگونه می‌نگرد.

بی شک انتخاب آقای کاتلر بعنوان سفیر امریکا در ایران را باید در رابطه با همین سیاست کلی و کینه دشمنی رژیم موجود امریکا در برابر انقلاب ایران و نقشه‌هایی که برای سرکوب آن در سداد، بررسی کرد.

ما تاکنون چند بار اعلام داشته‌ایم که آقای کاتلر سفیر امریکا در رژیم، یکی از کارشناسان ایجاد زمینه لازم برای جنگ داخلی و حتی دخالت ارتش مزدوران برای سرکوب انقلاب است. او برای استفاده از همین تجربه، که در رژیم پیروز شد و انقلاب این کشور را با هزاران کشته سرکوب نمود و برای اینکه حتی از ارتش مزدوران جهانی استفاده کرد، بعنوان سفیر امریکا در ایران انتخاب شده است، و مخالفت وزیر امور خارجه با ورود او به ایران و نگرانی‌اش درباره‌ی وی به حق و به جاست.

● ایران به کشورهای غیرمتعهد میببند

بنابر گزارش خبرگزاریها، آقای ارنست کورا، سخنگوی جلسه دفتر هم-آهنکی جنبش کشورهای غیرمتعهد، اعلام داشته است که ایران رسماً درخواست عضویت خود را برای پیوستن به کشورهای غیرمتعهد تسلیم این دفتر کرده است. آقای کورا گفت: «آقای ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران درخواست رسمی عضویت را بعنوان دولت سری لانکا، رئیس کنونی جنبش غیرمتعهدها، ارسال داشته است. قرار است درخواست ایران در این زمینه در دفتر هم آهنکی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و سپس برای رسیدگی نهائی به کنفرانس سران غیرمتعهد، که در هاوانا تشکیل خواهد شد، تسلیم گردد.»

ایران برای پیوستن به کشورهای غیرمتعهد میبایست تمام قراردادهای نظامی خود را که در رأس آن قراردوجانبه ایران و امریکا قرار دارد لغو کند و این درخواستی است که بارها از سوی تمام نیروهای مترقی بیان شده و بارها بارها مردم ایران در تظاهرات میلیونی خویش خواستار آن شده‌اند. قطع تمام ریشه‌های امپریالیسم از ایران و بریدن از تمام وابستگی‌ها به کشورهای امپریالیستی، شرط نخست پیوستن ایران به کشورهای غیرمتعهد است.

● سفیر ایران در شوروی در تهران است

آقای پرفسور محمد مکرری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، برای تبادل نظر با رهبران انقلاب ایران از مسکو به ایران بازگشت. سفیر ایران در شوروی بعد از بازگشت موقت از اتحاد شوروی، اعلام داشت که روابط ایران و شوروی در حال حاضر عالی است.

● مردم خواهان ریشه کن شدن اعتیاد در ایران هستند

یکی از قاجاقچی‌های معروف همدان بنام منوچهر روشناس ترور شد. این ترور را گروهی بنام گروه توحیدی الفتج بهمه گرفته و اعلام داشته است که هدف از تشکیل این گروه مبارزه با مفسدین، بخصوص قاجاقچی‌ها است. این ترور، یک هشدار است. مردم واقفا خواهان مبارزه جدی با هرگونه قاجاق مخدر و استعمال و مصرف آن هستند، زیرا بخوبی میدانند که مواد مخدر یکی از ره‌آورد‌های استعمار است و درام آن نیروی عظیم رادر ایران به بی تفاوتی خواهد کشاند و این آن چیزی نیست که شرایط انقلابی ایران تاب تحمل آنرا داشته باشد. دولت ورهبری انقلاب، قبل از آنکه مردم خود را سا اقدام به مبارزه با قاجاقچی‌ها و فروشندگان و مصرف کنندگان مواد مخدر بکنند، و یا اینکه چنین روشی بازم مورد سوء استفاده ضد انقلاب قرار گیرد، میبایست برنامه خود را برای مبارزه با این بالای خانمان سوز اعلام دارند و از نیروی انقلابی مردم برای مبارزه با مواد مخدر استفاده نمایند.

● بقیه از صفحه ۱

● بازوی طبقه کارگر ...

انقلاب، از جمله انجام واقعی خواستهای صنفی کارگران نیز ممکن نیست. تشخیص عمده از غیر عمده در اینجا هم صدق میکند.

لذا میباید در عین مبارزه برای تحقق خواستهای بحق و منطقی در بحرکت نر آوردن چرخ اقتصاد کشور نیز با تمام

خاست و دست غول امپریالیسم امریکارا، که از آستین محمد رضای خاکن بیرون آمده بود، شکست، خلقتی که واقع بین است، عثیارت، بیدار است، دشمن اصلی خود را میشناسد، سردرگم نمیشود و تا ریشه نفوذ این دشمن اصلی امپریالیسم امریکارا از وطن عزیز خود ایران برنگند، آسوده نخواهد نشست.

سارا که راجه کسی حفظ میکند و متشکل میسازد؛ چه کسی در توطئه‌های رنگارنگی که در کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا و بلوچستان بروز میکند، دست دارد؛ آیا گسیل عمال سیا بایران، که در تشکیل ضد انقلاب تخصص دارند، برای تحسین و تأیید انقلاب ایران است؛ ترورهای شخصیت‌های سیاسی چرا و بدست کی انجام میگیرد؛ و دهها سؤال دیگر...

بنظر میرسد که آقای نخست وزیر بهتر است به این واقعیات توجه کنند، زیرا این واقعیات سرسختند، پرده درند، افشاگرند و نیز بهتر است به گفته‌ها و رهنمودهای امام خمینی توجه کنند که دشمن اصلی مردم ایران را امریکا میدانند و دست تبهکار آنرا در سازماندهی ضد انقلاب در ایران بارها و بارها نشان داده‌اند و سرانجام بهتر است به ندای مردم و پیخواست مردم ایران گوش فرادهند، خلقتی که چون تن واحدی

ولی اگر کسی حتی یک لحظه به این گفته‌های نخست وزیر باور کند، آنگاه در برابر سوالات پرشماری قرار خواهد گرفت که در پاسخ بدانها عاجز میماند. از جمله: «چرا سنا امریکا با تفاق آراء به وجود و جریان دادگاه‌های انقلابی در ایران اعتراض میکند؛ چرا دولت امریکا اسرار دارد که شخصی مانند کاتلر- سفیر سابق امریکا در رژیم سرکوب کننده جنبش شایا را بعنوان سفیر بایران بفرستد؛ چرا دولت امریکا با تمام قدرت میکوشد قراردادهای نابرابر و تحمیلی با ایران، از جمله و بخصوص قرارداد اسارت بخش نظامی در جانب حافظ کند؛ چرا دولت امریکا ناوگان خود را در آبهای غرب اقیانوس هند و خلیج فارس تقویت میکند؛ بجهت دلیل سران دولت امریکادر کار ایجاد نیروی ضربتی نظامی برای گسیل به منطقه خلیج فارس اند؛ این بازمانده‌های فعال

«مردم» و مردم

بسیاری از دوستان و از جمله ب. الف یادآوری کرده‌اند که نه فقط غلط‌های چاپی روزنامه زیاد است بلکه وقتی دنبال مطلبی بهمنه دیگری رجوع داده میشود غالباً این «بقیه» را در صفحه مربوط نمی‌توان یافت و اشتباه در جای دیگر چاپ شده است. دوستان عزیز! ایراد شما درباره اغلاط چاپخانه و دنبال مطالب که باشباه ذکر میگردد معافانه درست است و دوستان ما در چاپخانه وعده میدهند که کمتر تکرار شود. ما نیز مانند شما امیدواریم که باین وعده وفا شود. البته کوشش فراوان میکنند و دست تنگ هستند.

خواننده گرامی کوه ایراد شما را درباره عبارت «اگر برای من نیست برای احدی مباد» که در یکی از مقالات «مردم» آمده، خواندیم. این «احد» یعنی هیچ‌کس و جمله مزبور تعبیر خاصی نمی‌تواند داشته باشد و مصلح است و از زبان دشمن آمده است. موفقیت شما را خواستاریم.

● بقیه از صفحه ۱

● از نظر نخست وزیر

امپریالیسم امریکاست، و اگر کسی دشمن اصلی را اسرائیل معرفی کند، سهوا یا عمدتاً میخواهد دشمن اصلی و واقعی خلق را انقلاب ایران را از انظار مردم دور نگاهدارد. این مقصود آشکارتر میشود، وقتی نخست وزیر ادعا میکند که در «نتیجه تبلیغ خبرنگاران» از مظلومیت و حقانیت انقلاب ایران، «دول در اروپا و بعد هم در امریکا روی همین نفوذ و انقلاب که در افکار خارج به وجود آمد سیاست رسمی و دولتی هم پیش از آنکه امام خمینی بایران برگردند، این انقلاب ما را به حقانیت و برسمیت شناخت، یعنی آنها تسلیم این مسئله شدند و دست از حمایت شاه برداشتند و به تحسین و تأیید انقلاب پیروزمند ما و بعد دولت موقت انقلاب اسلامی پرداختند» بدینسان از نظر نخست وزیر، اولاً انقلاب ما قبل از آنکه امام خمینی بایران برگردند، پیروز شده بود. ثانیاً در همان موقع اروپا و امریکا نیز آنرا برسمیت شناخته و حتی مورد تحسین و تأیید قرار داده بودند؛ لذا از این دو مقدمه میتوان دو نتیجه گرفت، اول اینکه اگر قیام ۲۲ و ۲۱ بهمن هم رخ نداد، بود، انقلاب ما پیروز شده بود. دوم اینکه چون حتی در آنتیگام اروپا و امریکا آن انقلاب را (قبل از ۲۱ و ۲۲ بهمن) برسمیت شناخته و مورد تحسین (۱) هم قرار داده بودند، پس اکنون با خیال راحت میتوان رفت و خوابید، چرا که نه امپریالیسم اروپای غربی و نه امپریالیسم امریکا، کاری جز تحسین و تأیید نسبت به انقلاب ایران ندارند!

از این هم بالاتر، نخست وزیر عقیده دارد که امپریالیسم امریکا از انقلاب ایران نه فقط ضرر ندیده، بلکه نفع هم برده است؛ چرا؛ «برای اینکه وقتی دولت جمهوری اسلامی هر قدر مستقرتر، قوی‌تر، مسلط‌تر و مستقل‌تر باشد، مصلحت در منطقه و بنا بر این در دنیا و مصلحت خود آنها... بهتر حفظ میشود و بجای روابط استعماری و تحمیلی گذشته روابط هادی و عادلانه وقتی بهمان بیاید، آنها باز با مال بفتح آنها است.»

پس بنا به عقیده نخست وزیر، اولاً امپریالیسم امریکا طالب صلح در منطقه و در دنیا است. ثانیاً خواستار روابط عادی و عادلانه بجای روابط استعماری و تحمیلی گذشته شده است. خلاصه کسریه هاید شده و خاطر خلق و انقلاب ایران و همچنین مردم جهان میتواند آسوده باشد؛ چمن است شمای از مشغول تعلق بسیار حضرت پیش نخست وزیر دولت موقت.

توا کوشید و توطئه دشمنان انقلاب را از راست و چپ» در این بهترین وسیله برای پیشرفت انقلاب، سعادتمندترین زمینه برای دسیسه‌های ضد انقلاب، افشا و خنثی کرد.

طبقه کارگر که بازمندگی، باهشیاری انقلابی، با تحمل محرومیت با فداکاری و قربانی، قاطع‌ترین نقش را در پیروزی نخستین مرحله انقلاب ایفا کرد، اکنون نیز باید با فداکاری و نشان دادن حد اعلا هیبتهای انقلابی، مشتبر دهان دشمنان انقلاب بگوید و نیروی خود را برای بحرکت نر آوردن چرخ اقتصاد کشور، برای جلوگیری از خرابکاری و فلج اقتصادی بکار اندازد. فقط در اینصورت است که هم میتوان بحقوق صنفی رسید و هم گامی بزرگ و اساسی در راه حفظ و تحکیم و گسترش انقلاب برداشت.

اخبار کارگری

تحصن رفتگران شهرداری قصرشهرین و خسروی

رفتگران شهرداری قصرشهرین و خسروی، که مجموعاً در حدود ۱۲۰ نفر برای هفتصد و پنجاه تومان در ماه، که به آنها پرداخت نشده، سه هفته پیش دست به اعتصاب زده بودند، به آنها جواب داده شد که امام خمینی دستور داده پول آنها را ندهند. رفتگران زحمتکش به دفتر امام در قم مراجعه کردند؛ دفتر امام خمینی ضمن تکذیب این خبر، دستور داده که حقوق آنان تمام و کمال پرداخت شود. ولی از آنروز تا بحال هیچ ترتیب اثری داده نشده. و در نتیجه رفتگران جلوی کمیته قصرشهرین تظاهرات کردند و هم اکنون در دادگستری تحصن اختیار کرده اند و تا انجام خواست خود به تحصن ادامه خواهند داد. لازم بیادآوری است که از مجموع ۱۲۰ رفتگر، ۸۰ نفر رسمی و بقیه غیر رسمی هستند.

* پیروزی کامیونداران رشت

اعتصاب کامیونداران رشت، که از دوشنبه مورخه ۷ خرداد ۵۸ آغاز شده بود، عصر روز ۱۱ خرداد، با بدست آوردن خواستهای زیرین بی پایان رسید.

۱- کاراژها بطور موقت در هم ادغام میشود.

۲- حق کمیسیون کاراژدارها از ۲۰٪ به ۷٪ تقلیل یافت.

۳- خرج چیدن بار در کامیون به عهده صاحب بار و خرج دلالی به عهده کاراژدار است. (قبلاً به عهده کامیوندار بود)

۴- مقررات سندیکا در مورد کامیون های صاحبان کاراژها (که در گذشته خارج از توبت بارگیری می کردند) بطور کامل اجرا خواهد شد.

۵- بارگیری بدون مهر سندیکا مقدور نیست. متخلف به ۱۵ روز جریمه مجازات میشود.

۶- رئیس سندیکای سابق را کارگران معزول کردند و سندیکای جدیدی بطور موقت تشکیل داده اند. این سندیکا دارای ۴ نماینده و یک رئیس است، که از بین خود کامیوندارها انتخاب شده است.

۷- چنانچه کاراژدارها نخواهند به تعهداتی که داده اند عمل کنند، کاراژها بسته و به ترمینال تبدیل خواهد شد.

کارگران نوشابه سازی اضافه دستمزد میخواهند

در کارخانه نوشابه سازی کاناداداری، که در آن نوشابه های سون-آپ، سودا و کوکاکولا نیز تولید میشود، در حدود ۲۰۰۰ نفر کارگر مشغول کارند، که از

نظر شغلی و مزایای آن در وضع مناسبی بسر نمی برند. در این کارخانه کارگران در دوشیفت ۱۲ ساعته کار می کنند. قانون کار، هشت ساعت کار را در روز مجاز دانسته است، لیکن بدلیل پائین بودن سطح دستمزد، کارگران مجبورند که روزانه ۴ ساعت اضافه کار کنند تا پولی برای معیشت خود و خانواده شان بدست آورند و کارفرما که باید سه شصت و هشت ساعت کارگر استخدام نماید، با این کار از دوشیفت کارگر برای تولید ۲۴ ساعته کارخانه استفاده میکند. درآمد روزانه این کارخانه بین یک میلیون و دویست و صد هزار تا ۲ میلیون تومان است و از مقایسه این درآمد و شرایط کار، به درجه استعمار می توان پی برد.

پس از انقلاب، کارگران توانستند کارگران اخراجی را مجدداً بکار ببرند. نمایندگان فرمایشی خود را اخراج و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند. چند تن از صاحبان کارخانه نیز به خارج از کشور گریختند. در این چالاکم بیادآوری است که ۱۷ نفر نماینده انتخاب شده از بخشهای تولید و بخش کارخانه، متأسفانه تاکنون نتوانسته اند با یکدیگر به توافق برسند و یک سخنگو بین خود تعیین نمایند.

اضافه حقوق کارگران از فروردین ماه هر سال تعیین میشود، ولی در سال جاری کارفرما، با استناد به اینکه هنوز تکلیف قانون کار مشخص نیست و قانون اساسی هنوز تصویب نشده، از اضافه کردن دستمزد کارگران خودداری کرده است.

نمایندگان کارگران، در هفته گذشته، پس از مذاکره با نماینده کارفرما و در میان گذاردن مسئله اضافه دستمزد و میزان آن، که از طرف کارگران مشخص شده بود، با فحاشی و استنکاف نماینده کارفرما روبرو شدند.

هنگامیکه نمایندگان جریان امر را با کارگران کارخانه در میان گذاردند، کارگران، که عصبانی و ناراحت شده بودند، کارخانه را تعطیل و در محوطه اجتماع کردند و به نماینده کارفرما از اعتراض نمودند. با دستگیری نماینده کارفرما از طرف پاسداران کمیته محل، این حادثه فعلاً خاتمه پذیرفته است.

کارگران شرط کرده اند که اضافه حقوق درخواستی آنان باید ظرف هفته آینده تعیین و پرداخت گردد، در غیر این صورت عکس العمل نشان خواهند داد.

اخبار دهقانی

باز هم مالکین و هم اقداران دهقانان حمله میبرند.

موضوع متأسفانه تازه نیست و «مردم» مدت است که خطر ناشی از مالکان بزرگ و تضییقات وارده بر دهقانان زحمتکش را از جانب آنها با حدت کامل خاطر نشان کرده است. این بار خبر از قریه کاریچلا - کیاکولا، که از توابع قشایم شهر (مازندران) است، رسیده. در این قریه ۹۰ خانوار زندگی می کنند که چهل خانوار آن بکلی بدون زمین هستند و این خود نمونه ایست از نحوه ستم دهقانی آن باصطلاح اصلاحات ارضی نیم بند که در رژیم گذشته عملی شد و دهقانان بی زمین و کم زمین را اکثراً بی نصیب گذاشت. از بقیه هم ۱۲ خانوار کمتر از نیم هکتار (آری نیج-هکتار) و هشت خانوار کمتر از یک هکتار دارند. این ۶۰ خانوار دهقان در واقع به شام ششم محتاج هستند. در همین حال مالکی بنام عزتی، که از تجار کیاکلاست هفتاد هکتار زمین دارد. این شخص حتی مراجعه دهقانان را برای نصفه کاری رد کرده است.

دهقانان کاریچلا - کیاکلا، که اخیراً یک شورای پنج نفری ده را به عضویت آیت الله برهانی، حسین کریمی، قنبر خورشیدی، عزیز الله محمدپور، ناصر قربانی انتخاب کرده بودند، از شورا خواستند تا بر طبق اصلی که زمین مال کسی باشد که آنرا میکارند و بجهت زارعین باید زمین مزروعی داده شود، این زمینهای مالک من بود، را که به تنهایی پیش از صد بار بر خانوارهای فقیر ده زمین دارد، به زارعین واگذار نماید. در اینجا بود که مالک، با استفاده از روش غیر قاطع مقامات دولتی و استخوانی که مرتباً لای زخم گذاشته می شود، تا تکلیف مالکیت زمینهای کشاورزی نامعلوم بماند، دوازده نفر چماق دار قدر را اجیر کرده و آنرا بجان دهقانان انداخته است تا مانع حق طلبی روستائیان شود. دهقانان که از اینهمه ستم و حق کشی بیجان آمده اند با امضای نامه ای، مجازات چماق داران و کوتاه کردن دست مالک را که، از نور چشمی های رژیم سابق بوده و بخروج دولت شاه مخلوع بسفر آلمان غربی رفته و خود در جرب کردن سیلها یدولای داشته، خواستار شده اند. خواست دهقانان زحمت کش بداشتن زمین و بر خورداری از قسرات کار و زحمت خود کاملاً حق است و بهیچ بهانه ای نمی توان اجازه داد که بقیمت گرسنگی و فقر هشتاد خانواده، چپاول و زورگویی تی چند مالک ادامه یابد.

بورژوازی لیبرال مواضع خود را آشکار میکند

اینصورت، چون نظارت دائمی سازمانهای اجتماعی بر کار رهبری کشور عملاً منتفی شده، استبداد بوجود می آید.

ما از بورژوازی لیبرال می پرسیم: آیا این دولت موقت بود که دستور تشکیل شوراها را اعلام کرد، آیا این دولت موقت بود که در پیام های متعدد کشور را از آن مستضعفین دانست یا امام؟ ما از بورژوازی لیبرال می پرسیم: آیا آنچه را که شما اینهمه ظاهراً از آن هراس دارید، و آنرا «استبداد» می نامید، زحمتکشان جامعه نیستند که امام دینی استوار کردن حکومت آنها بر جامعه است؟ ما از بورژوازی لیبرال می پرسیم: مگر این دولتی که اینهمه از آن دفاع می کنید نبود که کارگران را «اخلاک» خواند و شرکت کارگران، کارمندان و سرپازان را از طریق شوراها در اداره امورشان، غیر ممکن دانست؟ برای ما پاسخ این سئوالها روشن است: دموکراسی زحمتکشان، معنایش برای شما استبداد است!

حمله گروههای متعصب

در ادامه نامه، حمله گروههای متعصب و برخی از مردم ناآگاه را به صاحبان عقاید دیگر، ناشی از اشاره امام دانسته اند و نوشته اند: «یک اشاره شما کافی است که بیدرنک موجی از تهاجم پراه افتدو شما آیا در این زمینه احساس مسئولیت نمی کنید؟» و اضافه کردند:

«اگر آزادی وجود دارد، چرا متعاقب سخنان شما، قبل از هرگونه رسیدگی و حکم قانونی، برخی از مردم ناآگاه، که از وجود عناصر وابسته در درون آنها خبر نیستیم، هجوم های سازمان یافته رابه اجتماعات سیاسی آغاز می کنند؟»

در درست در همین جا، در عین اینکه تمامی آنچه را که بورژوازی لیبرال از مدتی پیش بعنوان وجود اختناق و فاشیسم باوقو کرنا تبلیغ کرده، اکنون مستقیماً به امام نسبت داده میشود، دومین خط نامه هم به روشنی تمام عیان میگردد و آن چیزی نیست جز دفاع از امپریالیسم.

دولت یا امام؟

در بخش های دیگری از نامه، بورژوازی لیبرال از امام می پرسد: چرا دولت با سکوت به این مقدمه کشتارهای آتی (حمله به اجتماعات) نظاره می کند؟ چرا دادگستری از صدور احکام قضائی زنان حقوقدان خودداری می کند؟ چرا اشاعه هر چه از اهمیت لازم برخوردار نیست؛ و اضافه می کند که گروههای بسیج شده ای از مردم در برابر چشمه های نگران، ولی عملایی تفاوت دولت با حمله به روزنامهها در واقع سانسور می کنند. و در جای دیگری می نویسد: «با آنکه پیش از ۳ ماه از مدت مأموریت دولت موقت میگذرد، هنوز اقدامی برای استفاده از مشارکت همه گروهها و اقشار مردم در تدوین قانون اساسی بعمل نیامده است.

دولت که خود مأمور و مسئول این

مهم است عملاً دست و پای خود را چنان بسته می بیند که جرئت کمترین اقدامی در جلب مشارکت مردم را ندارد. و البته بگمان بورژوازی لیبرال علت همه اینها اینست که «نه تنها از مقام رهبری رهنمودی

بورژوازی لیبرال، که تمام نیروهای خود را برای متوقف کردن انقلاب بکار گرفته است، در نامه سرگشاده ای که در آن آشکارانه تنهارهبری امام خمینی مورد حمله قرار گرفته، بلکه موضع گیریها و فتوایهای رهبر انقلاب عامل سقوط بدامان امپریالیسم شمرده شده است، مواضع خود را اعلام کرد.

در این نامه سرگشاده (که بنام جنبه دمکراتیک ملی ایران انتشار یافته) دوخط عمده به روشنی دیده میشود: خط اول که بورژوازی لیبرال با تمام نیرو آن را پیگیری می کند، تضعیف موضع رهبری امام خمینی است. نویسنده گان نامه به روشنی همه مشکلات مملکت و تمامی ضعف های دولت را ناشی از امام خمینی دانسته اند و باین نتیجه رسیده اند که: رهبری امام اکنون همانگونه نیست که پیش از پیروزی انقلاب بود.

در نامه اعتراف شده که نویسندگان نامه (بخوان بورژوازی لیبرال) بعد از آنکه به مبارزات روحانیت در نبرد مردم با ارتجاع و امپریالیسم با تردید نگاه می کرده اند، سرانجام باین نتیجه رسیده اند که امام مبارزی راستین، ضد استبداد و ضد امپریالیست است و مرجعیت امام مرجعیت یک رهبر سیاسی آگاه است که مافوق گرایشهای فرقه ای، مافوق چنگ و جدالهای دسته ها و گروهها، به منافع همگان می اندیشد و راز پیروزی در مرحله اول انقلاب هم همین بوده است.

اما، بزعم نگارندگان این نامه، بعد از پیروزی انقلاب، رهبری امام همانگونه که پیش از پیروزی انقلاب بوده، نیست. دلایلی که برای اثبات این مدعا آمده، در واقع چیزی به غیر از اعتراض به نقش امام خمینی نیست. در نامه در عین اینکه از دولت دفاع شده به صراحت تمام از امام خواسته شده است که در امور مملکت دخالت نکند، و اعلام شده که دخالت امام به معنای سلطه استبداد بر کشور است.

در نامه آمده است: «دخالت شما و روحانیت در امور مملکت داری و دستورهای صریحی که صادر میفرمایید، آنچه ان ابعاد وسیعی گرفته است که در این راه حتی کمترین ملاحظه ای هم رعایت نمی شود.»

آنگاه، از قطع رابطه ایران با مصر، که به مذاق بورژوازی لیبرال خوش نیامده، بشدت انتقاد شده، آنهم فقط باین خاطر که خود امام صریحاً دستور آنرا به وزیر خارجه داده است! گویا بورژوازی لیبرال ایران سکوت و تردیدهای دولت را در قطع رابطه با رژیم سادات خائن از یاد برده و فراموش کرده است که اگر دستور انقلابی امام نبود، دولت خودش به این فکر نمی افتاد.

در ادامه نامه اشاره شده که همه مسائل کشور، از آب و نان تا سیاست خارجی، تابع فتوای امام است و در نتیجه کار دستگاههای مملکت در بسیاری از موارد فلج شده است. اما واقعیت چیست و چه سیاستی کارهای کشور را فلج کرده است؟

اگر بورژوازی لیبرال، بخاطر منافع طبقاتی خود، روند ضد امپریالیستی امام را سبب فلج کار دستگاههای مملکت می داند، زحمتکشان کشور و آنان که دینی قطع ریشه های امپریالیسم هستند، به روشنی میدانند که این سیاست های دولت موقت است که به قصد جلوگیری از عمیق شدن انقلاب، کار مملکت را به فلج کشانده، نه رهبری امام، که ارگانهای تحت رهبری او، در کار پیگیری انقلاب، به نفع زحمتکشان هستند.

در ادامه نامه آمده است: «ما از هر دینی اگر کار ملک و ملت را در دست بگیرد، مجبور است به استناد مرجعیت دینی و الهی اش عمل کند، چنانکه شما عمل می کنید.» و نتیجه گرفته شده است که در

صریح و آشکار دایره بر قطع تجاوزها به دولت نمی رسد...»

ما باز هم از بورژوازی لیبرال می پرسیم: شما که صریحاً، در خطوط بالا و در واقعات مشخص، اعلام کرده اید که دولت مشغول ناسامانیه است، ممکن است بگوئید چرا اینقدر از دولت دفاع می کنید؟ چرا خواستار قدرت گرفتار دولت هستید؟ چرا بسیار نداننده می گوئید که گناه همه کم کاریها و ندانم کاریهای دولت را ناشی از امام بدانید؟

از قرار، خود دولت با بسی تفاوت گذشتن از مقابل حمله ضد انقلاب به اجتماعات، کتابفروشی ها و... که بیگمان در میان آنها از افراد متعصب ناآگاه هم وجود دارند، به بورژوازی لیبرال امکان استفاده تبلیغاتی میدهد تا باین ترتیب بتواند خودش از فضای بوجود آمده بموقع استفاده کند؛ و بورژوازی لیبرال هم اکنون در کار نهایت استفاده تبلیغاتی از این روش دولت است.

آزادیهای لیبرالیستی

بورژوازی لیبرال در آغاز نامه به صراحت خواست خود را از انقلاب اعلام داشته و نوشته است: امیدوار شدیم راهی که همگام با روحانیت در پیش است... به پیروزی مردم بویا استبداد و سرتکونی نظام استبداد وابسته به بیگانگان خواهد کشید.

و این چیزی نیست غیر از نقش تاریخی بورژوازی لیبرال، که نمایندگان آنها، قبل از انقلاب، در لباس های گوناگون کوشیدند آزادیهای بورژوائی راجانشین استبداد سلطنتی بکنند و حتی تا آخرین روزهای انقلاب خواستار «سلطنت مشروطه» بودند و بعد از انقلاب می کوشند، نهضت ضد استبدادی و ضد امپریالیستی مردم را در همان مرحله اول متوقف کنند و سرمایه داری وابسته را در لباس دیگری ادامه دهند.

هر چند بورژوازی لیبرال در نامه خود چند بار گذرا به ضرورت مبارزه با امپریالیسم اشاره کرده، اما به ناچار در پایان نامه با مطلق کردن آزادیهای بورژوائی، خواست واقعی خود را که «حکومت ملت بر سر نوشت خود» نامیده، در استقرار آزادیهای بورژوائی دانسته و خواستار رعایت حقوق بنیادی فردی و اجتماعی، از طریق رعایت آزادیهای عقیده و بیان، تجمع و تشکل، احزاب، مطبوعات، آزادی نظام آموزشی، پرورش و پژوهشی، آزادی نظام خبری، آزادی دین و مسلک و کار و شغل و حرفه شده است.

و این درست همان چیزی است که هم بورژوازی لیبرال میخواهد و هم امپریالیسم در شرایط مشخص کنونی، نبودن حداقل مطلوب و ممکن، می پذیرد تا نقش دوم بعدی خود را برای سرکوب کامل انقلاب اجرا کند. بسخن دیگر جانشین کردن آزادیهای محدود بورژوائی با حفظ نفوذ امپریالیسم بجای دموکراسی بنیادی طبقات زحمتکش و نابودی تسلط امپریالیسم، بهوده نیست که «چسورج بال» سخنگوی انصارات امپریالیستی، پیروزی آن چیزی را در ایران بیش از همه در خدمت منافع آمریکای دانسته که گروه بندی «دموکراتیک» از سرمایه داران، صاحبان تخصص، روزنامه نگاران و استادان دانشگاهها منعکس کننده آن باشد! این گروه بندی از نظر طبقاتی، همان بورژوائی لیبرال است.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، مشی بورژوازی لیبرال را به سود سرمایه داران وابسته و امپریالیستها میداند و لذا نه تنها خواستار آزادیهای دموکراتیک، بلکه خواهان استقرار حقوق دمکراتیک مردم ایران است. این تنها در سایه قطع ریشه های امپریالیسم امکان پذیر است.

بقیه از شماره پیش

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

جنجال بر سر «هژمونی» برای خدمت به ضد انقلاب
در آرایش قوای طبقاتی، که مائوئیستها پیشنهاد میکنند، جای بسیار بزرگی به جنجال بر سر آنچه که حضرات بددروغ «هژمونی پرولتاریا» نامیده‌اند، داده میشود. آنان میکوشند چنین وانمود سازند که گویا هوادار جدی اندیشه لنینی هژمونی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک‌اند و گویا اختلافی که با مائوئیستها توده ایران دارند، علاوه بر سایر چیزها، از اختلاف نظر بر سر پذیرش یا عدم پذیرش هژمونی (سرکردگی) ناشی میشود. اما در واقع کلمه «هژمونی» که مائوئیستها از مارکسیسم-لنینیسم بعاریت گرفته‌اند، در دست آنها به دستاویزی علیه مائوئیستها تبدیل شده است.

ابتدا، ببینیم، خود آقایان «مارکسیست-لنینیست» چه میگویند؟ آقای «زرمند» مدعی است که حزب توده ایران و «چریکهای فدائی خلق»، «طرح شمار رهی پرولتاریا را به ضرر پرولتاریا وانمود میکنند» و گویا عقیده حزب توده ایران و «چریکها» اینست که:

«مبارزان! به سرکردگی پرولتاریا نیندیشید، چرا که این باعث کم کردن سایر اقشار میشود. بناگفته لنین «پرولتاریا تنها قادر به انجام انقلاب نیست»، پس اگر این شعار را دادید، دیگر دکانتان را نخسته کنید، با این شعار انقلاب تمام و یکسره میشود. این «شرط» با «ماملاتی» که حزب توده با سایر اقشار و طبقات - اعم از خلقی و ضد خلقی - میکند، جوردر نمی‌آید.»^۱

تمام کسانی که با نوشته‌های گروهک‌های مائوئیستی سروکار دارند، میدانند که این نوشته‌ها را باید ابتدا تکان داد، تا فحش و ناسزا و اتهام و افتضاح آن بریزد. در اینصورت معمولاً نهم نوشته فرو میریزد و احیاناً یکدهم آن باقی میماند، که عقیده واقعی مائوئیست‌ها را، آنهم بطور غیر مستقیم منعکس میکند. در مورد این جمله و نظائر آنهم، نهم نقل و نبات مائوئیستی را که بیرون بریزید، تنها این فکر باقی میماند که، حزب توده ایران با اقشار و طبقات غیر پرولتاری، چه خلقی و چه ضد خلقی، وارد «معامله» شده است و میخواهد این معامله را بدون «شرط» سرکردگی پرولتاریا جوش بدهد.

نظر حزب توده ایران، که آقایان «مارکسیست-لنینیست» با چنین شوقی به آن ناسزا میگویند، در برنامه حزب ما شرح زیرین توضیح داده شده است: «تأمین سرکردگی طبقه کارگر تنها به اراده این طبقه و خواست حزب وی مربوط نیست. علاوه بر رهبری حزب طبقه کارگر، تجربه خود توده‌ها نیز شرط است تا این سرکردگی تحقق یابد. لذا در همین حال که حزب ما برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک مبارزه میکند، آنرا شرط وحدت عمل و اتحاد خود با دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک قرار نمیدهد.»

آیا به این اندیشه واقف ایرانیان وارد است؟ نه! صدبارنه اس سرکردگی پرولتاریا در انقلاب، یک روند تکاملی است و نه یک شرط مقدماتی و بدوی. پرولتاریا باید قبل از هر چیز در مبارزه انقلابی شرکت کند و آنرا در سمت اصلی انقلابی سوق دهد و در جریان این نبرد انقلابی و اثبات صحت سیاست و قدرت و قاطعیت رهبری خویش، توده‌های انقلابی و دمکراتیک را، با تجربه خود آنها، به حقانیت خویش معتقد کند و دور خود گرد آورد. پرولتاریا در پیروزی قطعی انقلاب ملی و دمکراتیک پیش از همه ذینفع است و بورژوازی لیبرال و سازشکار ذینفع نیست. لذا هر گاهی که انقلاب بسوی پیروزی قطعی برآید، گامی است که بسوی تأمین مهر و نشان پرولتاری بر آن برداشته است. لنین در دو کتاب «کمونیسم» و «سوسیال دمکراسی»، که برخی جملات آن ناچوانمردهانه مورد سوء استفاده مائوئیست‌های شرمسار از مائوئیسم قرار گرفته، درست در این باره میگوید:

«هر آینه بورژوازی موفق شود بوسیله بند و بست با تزار، انقلاب روس را عقیم گذارد، در اینصورت سوسیال دمکراسی در مقابل بورژوازی ناپسند واقعاً آزادی عمل خود را از دست خواهد داد در اینصورت سوسیال دمکراسی در دمکراسی بورژوازی حل میشود، بدین معنی که پرولتاریا موفق نخواهد شد مهر و نشان روشنی از خود بر انقلاب بگذارد...»

هر آینه انقلاب به پیروزی قطعی برسد - آنوقت ما طبق روش ژاکوبین‌ها، یا اگر مایل باشید، بشیوه پلپ‌ها - حساب خود را با تزار یکسره خواهیم کرد.»^۲ لنین اضافه میکند:

«بورژوازی قادر نیست انقلاب دمکراتیک را به پایان خود برساند، ولی دهقانان استعداد این کار را دارند و ما باید با تمام قوای خود در راه حصول این مقصود به آنها کمک کنیم.»^۳

محتوی انقلاب ایران، که ضد امپریالیستی و دمکراتیک است، با محتوی انقلاب اول روس، که اثر لنین بدان مناسبت نوشته شده است، یکی نیست و لذا هدفها و آرایش طبقاتی دو انقلاب نیز نمیتواند یکسان باشد. ولی در آنچه مربوط به هژمونی پرولتاریاست، خط سیر اندیشه لنین روشن است. لنین حتی تصور بر خورد مکانیکی به این مسئله را بخود راه نمیدهد. او توضیح میدهد که:

«توصیه برای حفظ وضعیتی که به بهترین وجهی بتواند امکان پیشروی انقلاب را تأمین نماید، بسیار مورد پسند ماست.»^۴

اما برای اینکه چنین وضعیتی حفظ شود و انقلاب از آن حدیکه بورژوازی خواهان آنست، تجاوز نماید «باید شمارهای را که «نایبگیری» دمکراسی بورژوازی را خنثی مینماید، بطور مثال مطرح کرد روی آن تکیه کرد.»^۵

«برای اینکه انقلاب دمکراتیک ما بتواند بطرز نایبگیری به پایان خود برسد، باید به نیروهای اتکا نماید که قادر باشند نایبگیری» اجتناب ناپذیر بورژوازی را فلج نمایند.»^۶

از این روند تکاملی است که لنین به این نتیجه درخشان میرسد که «پرولتاریا باید انقلاب دمکراتیک را به آخر برساند، بدین منظور که توده دهقان را بخود ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت حکومت مطلقه را جبراً منکوب و نایبگیری بورژوازی را فلج سازد.»^۷

کسی که روند (پروژه) تکاملی بدل شدن پرولتاریا را به سر کرده انقلاب درک نکند، کسیکه پیوند این سرکردگی را با اتحاد کارگران و دهقانان نفهمد و کسیکه دنگ نکند که روند سرکردگی پرولتاریا باروند پیشرفت انقلاب مربوط است، کمترین چیزی از لنین نفهمیده است.

اضافه کنیم که مارکس و انگلس نیز، که بنیانگذاران اندیشه سرکردگی پرولتاریا هستند، مسئله را درست همینطور فهمیده‌اند، آنها در مائوئیست حزب کمونیست می نویسند:

بقیه از صفحه ۱

نامه سرگشاده ...

و آرایش نیروهای طبقاتی و سیاسی بدست میدهد و به رویدادهائی که در نظر اول مهم و بیچیده و متناقض مینماید، پرتویی روشن میافکند و ماهیت و سمت آنها را نشان میدهد، زیرا که به بسیاری از پرسشها و معضلات کنونی بطور منجز و مشخص و با نظریات صریح و منطقی پاسخی را که از نظر حزب ما معتبر و درست است، عرضه میدارد.

از همان آغاز خواننده «نامه سرگشاده» باین سؤال، که اینک بسیاری، گاه ناخود آگاه، مطرح میکنند، پاسخ می‌دهد که: آیا انقلاب ایران چیزی هم برای مردم ایران باارزشان آورده؟ آیا دستاوردی داشته؟

همه میدانند که عمده‌ای، گاه باغرض ضد انقلابی، می‌گویند: آنچه خونها که بهدر رفته، آنچه تظاهرات و اعتصابات و زندان کشیدنها و محرومیتها به نتیجه قابل ملاحظه‌ای نرسیده، و با اصطلاح خودشان، حداکثر کاری که کرده آنست که، ردای سلطنتی را بعبای مذهبی عوض کرده. این نه فقط یک ارزیابی سرتاپا غلط از وضع گذشته و حال و یک برداشت بکلی

ناسالم از اهداف و نتایج انقلاب است، بلکه توهینی است بخلقه‌های ایران، که با آنچه فداکاری و ایثار توانستند یک پیروزی تاریخی و کم نظیر، که ایران و جهان را تکان داد، بدست آورند.

«نامه سرگشاده» جوانب مختلف این پیروزی بزرگ و دستاوردهای واقعی آنرا در زمینه‌های مختلف بر می‌شمارد.

سپس بر شالوده ویژگیهای لحظه کنونی، که در آن عوامل بحران شدت مییابند، مسئله اساسی طرح میشود، که چیزی نیست جز شناخت دشمن عمده انقلاب ایران. این شناخت وجهه گیری در برابر آن و متوجه کردن تمام نیروی انقلابی علیه آن و قطع کردن دست تمام ایادی آن، تنها شرط نجات انقلاب و تأمین پیروزی قطعی و پویا آن است. تمام کوششهایی که انجام میشود تا مثلاً «کمونیستها» یا «آخوندها» را دشمن عمده جلوه دهند یا تضادها و حوادث مختلفی خلق و علم کنند، در نهایت امر موجب می‌شود که دشمن اصلی و واقعی انقلاب ما، که امپریالیسم جهانی، بر سرکردگی امپریالیسم امریکاست، از انظار پنهان بماند، از زیر ضربه‌های مردمی بکنار رود، امکان یابد که به طوطه و تحریک دست یازد، خرابکاری کند و با من انقلاب ضربه زند

«کمونیستها در راه هدفهای فوری و منافع عاجل طبقه کارگر مبارزه میکنند، ولی همزمان با آن در جنبش کنونی دفاع از آینده جنبش را نیز بهمه دارند...»

کمونیستها در همهجا از هر جنبش انقلابی که ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد، پشتیبانی میکنند... کمونیستها همهجا برای برقراری اتحاد و توافق در میان احزاب دمکرات همه کشورها جهد میورزند...»

چنانکه میبینید، نه مارکس نه انگلس و نه لنین هرگز سرکردگی پرولتاریا را به «شرط» بی ربط و مسخره‌ای که باید از ابتدا در برابر سایر نیروها گذاشت بدل نکرده‌اند.

ولی آقایان «مارکسیست-لنینیست» را کاری با مارکسیسم - لنینیسم نیست. آنها فقط به سیاست ضد انقلابی خود لیبسی از کلمات هاریتی مارکسیست میدوزند و لذا سرکردگی پرولتاریا در انقلاب اینطور از آب در میآید:

«ممکن است بورژوازی لیبرال دست از شعار خود بردارد و در این صورت باید از شعار جمهوری دمکراتیک خلقی برهبری طبقه کارگر اطاعت کند... و در این حالت کارگران سعی میکنند با او بشیوه مسالمت آمیز رفتار کنند. اگر دست از لیبرال بودن بردارند... در اینصورت خلق بازور... او را نابود میکنند.»^۸

داستان اینکه چگونه بورژوازی لیبرال دست از لیبرال شدن بر میدارد و مورد تنقید آقایان «مارکسیست - لنینیست» قرار میگیرد، بجای خود بماند. فعلاً سخن بر سر چیز دیگری است که حضرات، «هژمونی» پرولتاریا نامیده‌اند. آیا هژمونی پرولتاریا به این معناست که که بورژوازی لیبرال رهبری طبقه کارگر را بپذیرد؟ و آیا راه تأمین هژمونی اینست که به بورژوازی اولتیماتوم بدهیم که: یا رهبری را بپذیرد یا خلق نابودت میکند؟

این طرز تأمین هژمونی، از طبقه کدام عطار بهرون آمده است؟ در کجای مارکسیسم - لنینیسم این مسخرگی‌ها را میتوان یافت؟ ظاهر آقایان «مارکسیست-لنینیست» بجای مارکسیسم، از داستان هوش و گریبه عبید زاکانی فیض گرفته‌اند، آنجا که شاه موشان به گریه اولتیماتوم میدهد که:

«یا بیای پایتخت در خدمت یا که آماده باش جنگا نا!»^۹ در مورد امید شاه موشان، که گریه در خدمت آید و «نقش رهبری» ایشان را بپذیرد، خود داستان عبید گویاست. و قاعدتاً هر پرولتاریایی که بخواند بورژوازی دست از شکارش بردارد و به خدمت در آید، همان نتیجه را خواهد گرفت. ولی اگر دهقانان و خرده بورژوازی اولتیماتوم شما را نپذیرفتند چه عکس العملی نشان خواهید داد؟ سیاه مشق‌های مائوئیستی به این پرسش پاسخ مستقیمی نمیدهند. فقط توصیه میکنند که باید به دهقانان بارها و بارها توضیح داد که اگر با کارگران اتحاد کنند، به همه هدفهای خود خواهند رسید.

«باید با خرده بورژوازی شهر نیز مانند دهقانان رفتار کرد.»^{۱۰} ملاحظه میکنید که سخن از شرکت در مبارزه مشترک، قبل از اینکه دهقانان رهبری کارگران را بپذیرفته باشند و حمایت از جنبش دهقانی و نبرد انقلابی طبقات ضد امپریالیستی نیست. سخن از توضیح است. حال آمدیم دهقانان و خرده بورژواها این توضیح را نپذیرفتند، و یا تا وقتی که نپذیرفته‌اند، چه باید کرد؟ پاسخی که مائوئیست‌ها در عمل و نمونه انقلاب ایران به این پرسش میدهند، اینست که باید با بورژوازی لیبرال علیه آنها متحد شد! آنچه جنجال بر سر هژمونی پرولتاریا، بدتر از کوهی که سالها باردار بود، موش میزاید. به نوشته‌های خود مائوئیست‌ها مراجعه کنیم.

ادامه داد

و شاید هم دستاوردهای آنرا بزباد دهد. پس تکیه «نامه سرگشاده» بر این نکته و ضرورت تعیین دشمن عمده کاملاً بیجاست. در شرایطی که هر روز مسئله‌ای ساز میشود و رویدادی انظار را بخود متوجه میسازد و از راست و چپ، انواع دستاویزها بمیدان میاید، ضرورت حیاتی دارد که بدانیم در واقع خطر از کجا متوجه حیات و ادامه انقلاب ماست، سر نوشت انقلاب ما از کجا و به چه وسیله و از چه راهی تهدید میشود و چرا باید درست علیه این دشمن اصلی و نه دشمنان ساخته فکر و ذهن و تصورات خود یاد دشمنان غیر عمده و یا مختالان فرعی قیام و مبارزه کرد. با نشان دادن دشمن عمده باید امکان مانسور کردن، فعالیت، خرابکاری و ضربه زدن با انقلاب را از آن سلب کنیم، و این همان کاری است که حزب توده ایران آنرا توصیه میکند و در «نامه سرگشاده» خود تصریح میکند که این دشمن عمده چه منافعی حیاتی اقتصادی و استراتژیکی در ایران داشته و بر چه هم اکنون چه یگانه‌های غیر موندی را هنوز در اختیار دارد، که اگر ریشه کن نشوند، انقلاب بر بادده خواهند بود. «نامه سرگشاده» کمیته مرکزی حزب مائوئیست‌ها و تدابیر مختلف امپریالیسم را نیز بر ملا میکند.

در زمینه ارزیابی دشمن عمده و روشهای او، متأسفانه در میان همه نیروها تکیه در مرحله اول انقلاب بر کت داشته، اکنون بر خود یکسانی دیده نمیشود. جدا کردن حساب خود از حساب انقلاب، لایه بندی و حتی تبری چستن از انقلاب و ابراز پیشمائی نیز دیده میشود.

پس بی پایه نیست که «نامه سرگشاده» توجه را بوجوه سه گرایش و جهت گیری اساسی در سیاست ایران جلب میکند، که شناخت آنها و بی بردن به سیاست و روش هر یک از آنها، برای درک آنچه در مین ما میگذرد و موضوع گیری شخصیتها و گروههای مختلف کاملاً لازم است.

و بالاخره مطلب بسیار مهم دیگر اینکه، در لحظه کنونی کشور ما با مشکلات بسیار فراوان و مستوع در پنج زمینه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و امنیتی و ملی روبروست که حل آنها در دستور روز است و برای آنها باید راه‌های انقلابی، ریشه‌ای، علمی و قاطع پیدا کرد و توده مردم را در این جهت بسیج کرد و بیدار کشید. میدان نبرد انقلابی ما اینک سیمای تازه یافته، و اگر ما این مشکلات را از بین نبریم، انقلاب مادر خطر خواهد بود.

همه این مسائل مهم و حیاتی هستند، منتهی از بین تمام آنها، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کنونی ما، مشکل اقتصادی است. رکورد، خوابیدن تولید، درد بزرگ بیکاری، گرانی، زنک زدن تدریجی چرخها، همه در اینجا چهره مینمایند و بیشترین نارضائیهای نیز از همین جاسر چشمه میگیرد و بزرگترین خرابکاریها و توطئه های ضد انقلابی نیز در همین جاشکل مییابند.

در «نامه سرگشاده» به همین جهت بیشترین جا به تشریح و توضیح آن اختصاص داده شده و تدابیر معینی، که باید در هر زمینه اتخاذ شود و گرایشهای مختلفی، که هر گروه سیاسی و اجتماعی در این زمینه‌ها دارد، با دقت و بصراحت یاد آوری شده است.

سر نوشت انقلاب ایران به سرانجام حل این مشکل اقتصادی، وابستگی کامل و همه جانبه دارد. ما معتقدیم که باید توجه اساسی به پیدا کردن راه حلی عقلانی و علمی، بر پایه منافع مینماید و همه زحماتشان در این زمینه معطوف شود. نشان دادن این الویت البته بمعنای کم بها دادن سایر مشکلات نیست و «نامه سرگشاده» با دقت همه این مسائل را که گاه بسیار حاد و گریه هم میشوند، مورد بررسی قرار میدهد و راه‌های را که ممکن و ضرور میسرند، عرضه میدارد و مینماید که هر گروه و نیروئی، که هنوز همچنان به امر انقلاب مؤمن باقی مانده و خواستار پیشبرد آن به سود زحمتکشان و مینماید است، بمغاد این «نامه سرگشاده» با توجه لازم و با حس مسؤلیت انقلابی بر خورد نماید تا راه برای حل همه مشکلات، که چیزی جز تشخیص دشمن عمده و تشکیل جبهه متحدی از تمام نیروهای انقلابی، ضد امپریالیستی، و دمکراتیک و خلقی بر ضد این دشمن نیست، هموار گردد.

۱ - «چرا...» ص ۱۷ تکیه از ماست

۲ - منتخبات، ترجمه فارسی، جلد اول قسمت دوم ص ۶۴

۳ - همان اثر ص ۱۲۱

۴ - همان اثر ص ۴۳

۵ - همان اثر ص ۴۴

۶ - همان اثر ص ۱۲۲

۷ - همانجا

۸ - مائوئیست حزب کمونیست، از انتشارات حزب توده ایران ۱۳۵۴ صفحات ۱۲۳، ۱۲۴

۹ - درباره جمهوری دمکراتیک خلق، ص ۲۲ (تکیه از ماست)

۱۰ - همان جزوه، ص ۲۰

پرسشها و پاسخها

درباره سازماندهی روز اعتراض ضد آمریکائی در تهران و جزئیات مربوط به آن نامه‌های فراوان دریافت کرده‌ایم و چندین نفر نیز زنگ زده یا تلفن نظریات خود را گفته‌اند. ایرادها، انتقادات، پیشنهادها و پرسشها در این مورد نشان می‌دهد که تاچه اندازه دوستان ما با دقت، مراقب کار حزب خودشان، حزب توده ایران هستند و حاضر نیستند هیچ خطا یا سهل انگاری یا سازماندهی ناکافی یا حتی بی‌حوصلگی و بروز بیجای خشم را ببخشند. این بسیار مثبت است. با اینکه پوشته برخی از دوستان در این ماههای آغاز کار علنی احتراز از چنین مواردی کاری است دشوار، ما بخاطر همه این تذکرها، ایرادها، پرسشها و پیشنهادها صمیمانه از دوستان خود تشکر میکنیم. پرسشها و گزارشها درباره چگونگی تدارک و برگزاری راهپیمائی و وجود نکات منفی متعددی چه در اعلام چندگانه راه پیمائی و طرز گرد آمدن و غیره و یا در نحوه انجام وظیفه ماشین اعلام کننده شعارها و غیره است.

ما در آینده سعی خواهیم کرد باین نکات ارزشمند از نظر سازمانی توجه کنیم. تذکره بموقع هر اقدام سیاسی، اعلام دقیق جا وساعت و عدم تشتت، گزینش قبلی شمارها و انتخاب قبلی مسئولان صف، همه نکاتی است که در کلیه موارد صادق است و باید اجرا شود. حتی دوستانی که مسئله بیجان آمدن رفقای شرکت کننده و پاسخ دادن به تحریکات ناجوانمردانه گروهک های مخرب را عنوان کرده‌اند، نیز حق دارند. لایه برای این شرکت کنندگان غیر قابل تحمل مینمود که با اینهمه شور و صداقت در نبرد ضدامپریالیستی در کنار سایر نیروها شرکت کنند، ولی در معرض حملات لجام گسیخته مشتکی عوامفریب و مقصد جو یا فریب خورده قرار گیرند. لایه برای آنان غیر قابل تحمل مینمود که وقتی تمام خلقی باخاسته تا امپریالیسم آمریکا را محکوم کند و دشمن عمده را بگوید، عده‌ای دیوانه وار فریاد «مرگ بر کمیته مرکزی» برآورند، آنهم در جائیکه دو تن از همان اعضای کمیته مرکزی، که یکی علیه امپریالیسم آمریکا نظر کرد و دیگری قطعنامه راهپیمائی را خواند، یعنی رفقا عمری و باقرزاده، هر یک ۲۵ سال در زندان رژیم شاه خائن محبوس بوده‌اند و چنان شکنجه ها و سیاه چالهایی دیده‌اند که به خواب این تفرقه افکنان و هوچیان پرمدامی-آید. ولی البته همه اینها توجیهی برای پاسخ گویی به تحریکات دشمن حیلہ گر نیست، بلکه توضیحی است برای آن دوستانی که پرسیده‌اند: چرا برآشفتن شدید و چرا زنده باد کمیته مرکزی گفتید. تمامی آن مردمی که در آن روز بخوابانها آمدند و منجمله کلیه کسانی که به فدای حزب ما پاسخ گفتند، همه در یک مسئله اساسی اتفاق نظر داشتند: امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی است، این دشمن بیکار ننشسته و دارد تحریک میکند و توطئه میچیند و باید بیدار و هشیار بود. لایه تیز حمله باید متوجه امپریالیسم باشد. انقلابی واقعی در این لحظه کسی است که این مسئله عمده را فراموش نکند و در جهت تقویت جنبه ضد امپریالیستی با تمام قوا بکوشد. ما توده‌ایها در راهپیمائی خود، در تمام فعالیتها و اقدامات و تبلیغات خود، موضعگیری اصولی خود را بر همین شاخص عمده استوار کرده‌ایم و بر پایه همین ملاک کلیه انقلابیون صدیق را به همکاری و وحدت عمل فرا میخوانیم.

رویدادهای جهان

تصویب از پیش برای ایفای نقش ژاندارمی آماده می‌شود
مقامات آمریکا اعلام کردند که این کشور آماده است تا ماه اکتبر حدود ۱۲ فروند جت فانوم به مصر تحویل دهد تا قدرت نظامی سادات تقویت شود. شانزده خلبان مصری در این هفته برای آموزش کار با این فانوم‌ها به سان-آنتونیو، واقع در تکزاس، می‌روند. مقامات آمریکایی، که سعی در اختفای نام خود داشتند، متذکر شدند که این فانومها از محل اعتبار یک میلیارد و پانصد میلیون دلاری آمریکا، که از طرف کنسره این کشور تصویب شده، به مصر تحویل داده می‌شود.

در همین مورد آسوشیته پریس گزارش داد که مجلس نمایندگان آمریکا لایحه کمک چهار میلیارد و هفتصد میلیون دلاری این کشور را به سادات وبکین، با ۳۴۷ رأی موافق در برابر ۲۸ رأی مخالف تصویب کرد.

این خود فروشی سادات بازتابهایی در داخل مصر و در جهان عرب داشته است که روز بروز با بادی گسترده ترمی یابد.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در مصاحبه‌ای با هفته نامه «الحوادث»، چاپ لبنان، اعلام کرد که خیانت سادات به منافع و مصالح کشورهای عربی و فلسطین، شکافی عمیق میان رژیم وی و جنبش مقاومت فلسطین پدید آورده است.

عرفات پیشنهاد آمریکا را در این مورد که رژیم مصر از طرف اعراب فلسطین با اسرائیل گفت و گو کند، مردود اعلام کرد و گفت سادات حق ندارد در باره سر نوشت بیت المقدس تصمیم اتخاذ کند. ابوعمار سپس تجاوز اسرائیل را به لبنان محکوم کرد و تأکید ورزید که این اقدامات تجاوز کارانه قسمتی از توطئه کارتر- سادات وبکین است که بر مبنای آن نقش ژاندارمی خاورمیانه بر رژیمهای مصر و اسرائیل تفویض شده است.

توطئه چینیهای چین و پاکستان علیه افغانستان

روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن افشاء مجدد مداخلات دولت پاکستان در امور داخلی افغانستان، در این مورد به آن دولت اخطار کرد. پراودا به دولت پاکستان هشدار داد که اتحاد شوروی در باره تجاوز پاکستان به حریم حاکمیت افغانستان و نفوذ گروههای مسلح پاکستانی به خاک آن کشور و کوشش پاکستان در راه ایجاد بحران در منطقه نمی‌تواند بی تفاوت بماند. پراودا یاد آور شد که این مداخلات در نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی انجام می‌گیرد و تجاوز علیه کنسره است که با اتحاد شوروی مرز مشترک دارد.

روزنامه ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح کرد که راهزنان و تروریستهایی که به اسارت گرفته شده‌اند، اعتراف کرده‌اند که مستشاران پاکستانی و چینی در تشکیل دسته‌های مهاجم علیه افغانستان مشارکت دارند. پراودا سپس تأکید ورزید که محافل امپریالیستی این تحریکات را علیه افغانستان تدارک دیده‌اند و هدف آنها این است که بهر قیمتی که باشد میان افغانستان و پاکستان درگیری ایجاد کنند.

کمک به فلسطینیها، علی رغم اعتراض آمریکا و انگلیس (در اوتکتاد)

مجمع عمومی و پنجمین کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل متحد تصویب کرد که اجلاس آینده این کنفرانس (در سال ۱۹۸۳) در کوبا تشکیل شود. تذکار دو نکته در باره اجلاس اخیر واجد اهمیت است، نخست آنکه نمایندگان کشورهای سرمایه‌داری غرب زیر فشار ۱۱۹ کشور در حال رشد (گروه ۷۷) قرار گرفته‌اند که به پیشرفت ناچیز گفت و گوهای یک ماهه درباره نظام اقتصادی جدید بین المللی، سخت معترض هستند. دیگر آنکه هیئت‌های شرکت کننده در این کنفرانس، علی رغم اعتراض آمریکا و اسرائیل، تصمیم گرفتند که کمکهای خود را به سازمان آزادیبخش فلسطین و سایر جنبشهای آزادیبخش جهان (از جمله سازمان خلق آفریقای جنوبی- سواپو- و سازمان چریکهای فاسیونالیست رودزیا) افزایش دهند.

این تصمیم با وجود هشدارهای که نماینده آمریکا تحت عنوان «زیان بخش بودن این اقدام برای استقرار صلح در خاورمیانه» داد، از طرف کنفرانس اتخاذ شد.

بحران در جهان غرب

تصمیم آمریکا در باره کمک مالی به واردات نفت این کشور، بر وسعت وحدت اختلافات میان آمریکا از یک طرف و ژاپن و کشورهای عضو بازار مشترک از سوی دیگر افزوده است.

دولت آمریکا اعلام کرد که وارد کنندگان نفت از قرار هر بشکه ۵ دلار کمک مالی دریافت خواهند کرد. کارتری این تصمیم را اتخاذ کرده است تا ورود نفت کافی را بمنظور پر کردن مجدد انبارهای سوخت آمریکا تشویق کند.

مقامات ژاپنی اعلام کردند که این اقدام آمریکا احتمالاً ثبات قیمت نفت را از میان خواهد برد. از طرف دیگر کمیسیون انرژی بازار مشترک این تصمیم آمریکا را خودخواهانه توصیف کرد و آن را مانع از تصمیم اخیر کشورهای صنعتی درباره کاهش مصرف نفت خواند.

خواستنی که صهیونیسم برای خاور میانه دیده است

آریل شارون، وزیر کشاورزی اسرائیل، خواستار آن شده که در خلال بیست تا سی سال آینده، در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه آبادیهای یهودی نشین تأسیس شود. وی که در پارلمان اسرائیل سخن می‌گفت، تصریح کرد که بر اساس طرحی که تنظیم کرده است تعداد مهاجر نشینهای یهودی در ناحیه پر جمعیت عرب نشین شمال ساحل غربی رود اردن سربا فزونی خواهد یافت. شارون صراحتاً اعلام کرد که بیست و پنج آبادی یهودی نشین کنونی در دره رود اردن بر اساس طرح پیشنهادی وی، به دو برابر افزایش خواهد یافت.

وقتی حمایتگر آمریکا

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که اسرائیل در تجاوز مداوم خود به جنوب لبنان، به آمریکا و شخص جیمی کارتر مستظهر است. رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین همچنین گفت: «هستنان اخیر کارتر در مخالفت با تأسیس یک دولت فلسطین مستقیماً با تجاوز اسرائیل به لبنان و علیه جنبش مقاومت فلسطین ارتباط دارد. ابوعمار تأکید ورزید که تحولات اخیر اثبات می‌کند که یک طرح مشترک امپریالیستی - صهیونیستی برای اشغال جنوب لبنان و قلع و قمع جنبش مقاومت فلسطین از طرف اسرائیل، وجود دارد».

کشتار در لبنان و شکایت در سازمان ملل ادامه دارد

توپخانه اسرائیل مواضع فدائیان فلسطین را در جنوب لبنان گلوله باران کرد. مقامات لبنانی اعلام کردند که بر اثر این تپ اندازها پنج نفر به قتل رسیده‌اند و عده‌ای زخمی شدند.

فؤاد بطرس، وزیر امور خارجه لبنان، اعلام کرد که به نماینده این کشور در سازمان ملل متحد دستور داده است که تشکیل اجلاس شورای امنیت را برای رسیدگی به وضع مخاطره آمیز ناشی از تجاوزات روزانه اسرائیل تقاضا کند.

در این میان مسیحیان راستگرای مسلح لبنان نیز از همدستی با جنایات اسرائیل دریغ نورزیدند، و پس از آتش بس کوتاهی که در جنوب این کشور برقرار شده بود، شهر حسیبه را زیر آتش توپخانه خود گرفتند که صدمات جانی و مالی ببار آورد.

بقیه از صفحه ۶

به تیرگی کشاندن

نموده‌اند، از حمتکشان میهن ما و چوه مشترک بسیاری وجود دارد، زیرا انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی مردم ایران، برهبری امام خمینی، درست در سمت دفاع و تامین حقوق و آزادی و منافع توسعه‌های زحمتکش، یعنی مستضعفین انجام گرفت.

از سوی دیگر انقلاب مردم ایران و مردم افغانستان دارای دشمنان مشترکی است، یعنی گروهها و طبقات مستمکر، که پسر این مردم حکومت استبدادی خود را مسلط کرده بودند و ارتجاع و امپریالیسم جهانی، که پشتیبان این حکومتها بوده هستند. پس در اینصورت منافع انقلاب در میهن ما و افغانستان که هر دو برفع زحمتکشان پیروز گردیده و از سوی دشمن مشترک، یعنی ضد انقلاب داخلی در هر کشور و امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در معرض تهدید و خطراند، ایجاد میکند که بجای ایجاد تیرگی و سوءتفاهم در روابط میان دو کشور و خلقهای آنان، به برقراری روابط نزدیک دوستانه، حسن همجواری و پشتیبانی متقابل میان آنها مساعدت شود.

به تیرگی کشاندن روابط ایران و افغانستان تنها به سود محافلی است که بمنافع و مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی آنها، در نتیجه پیروزی انقلاب در

افغانستان و بدنبال آن پیروزی انقلاب در ایران، به مقیاس منطقه و جهانی لطمه وارد آمده است. همین محافل هستند که کوشش دارند رویدادهای افغانستان را بصورت عصبان عمومی خلق علیه دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان جلوه دهند و کانونهای ضد انقلاب و خرابکاری و توطئه در داخل و خارج از مرزهای افغانستان را تقویت نمایند.

بنا به گزارش خبرگزاریها، در پی اعلام عضو عمومی از جانب دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان، هشتاد هزار نفر از اتباع افغانستان، که در نتیجه تبلیغات سوء خاک میهن را ترک کرده بودند، از پاکستان به میهن خود بازگشتند. این اقدام دولت افغانستان و بازگشت اتباع افغانستان به کشور، نقشه‌های توطئه گرانه محافل ارتجاعی و امپریالیستی را عقیم میگذارد و ماهیت کارزار تبلیغاتی ضد انقلابی آنانرا برملا میسازد.

قابل توجه رفقای کارگر

از رفقای کارگر عضو سابق حزب، که به آرمان خود وفادار مانده‌اند، ولی بعلل گوناگون تماس حزبی ندارند و همچنین رفقای کارگر تازه وارد خواهشمند است برای رسیدگی بوضع حزبی‌شان همه روزه (بغیر از روزهای پنجشنبه و جمعه) از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران شعبه امور کارگری، مراجعه کنند.

نشانی، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۷

بقیه از صفحه ۶

همبستگی با مردم عراق

یک جوان مبارز عضو حزب کمونیست عراق در استان انبار را، عمداً زیر اتومبیل گرفته کشتند. این شهید نافع پدیوی نام دارد. در شهر نجف، عده‌ای که میخواهند بسود رهبری انقلاب ایران و در حمایت از امام خمینی تظاهراتی را سازمان دهند، بوسیله عمال بعثی بازداشت شدند. به قرار اطلاع یکی از سرشناسان محل بنام کربلائی، در محکمه نظامی محکوم بمرگ شده است. در مناطق کرد نشین نیز بعثیها به شهر کوی سنجق یورش برده، ۵۰ نفر را دستگیر کرده‌اند، که از ایشان نیز هیچگونه خبری نیست. در استان ذیقار، ۱۸ تن از دانش آموزان مدرسه ناصریه، تنه‌باین جرم که راضی نشدند وارد حزب بعث عراق شوند، در تاریخ ۲۸

آوریل از مدرسه اخراج گردیدند. در بسیاری از مدارس دیگر، دانش آموزانیکه حاضر بپروود اجباری در حزب بعث نمیشوند، از فرصت دادن امتحان محروم میشوند. در شهر رمادی نیز، امام جمعه، بعلت نصب پلاکاردی که روی آن نوشته شده بود «ای مردم علیه یکدیگر جاسوسی نکنید، قته انگیزی نکنید و غیبت روا مدارید» بازداشت شد.

نزدیکان این روحانی نیز از سر نوشت او اطلاعی ندارند. در روز ۱۲ آوریل، هنگامیکه برق بندر معقل بصره قطع شد، مردم از فرصت استفاده کرده در تاریکی شمار-هائی که حکومت ترور و اختناق ۱۰ محکوم میکرد، بر در و دیوار نوشته و نصب کردند. مقامات بعثی ۵۰ نفر از مبارزان سیاسی و مذهبی را بازداشت کردند.

در روز ۱۲ آوریل، هنگامیکه برق بندر معقل بصره قطع شد، مردم از فرصت استفاده کرده در تاریکی شمار-هائی که حکومت ترور و اختناق ۱۰ محکوم میکرد، بر در و دیوار نوشته و نصب کردند. مقامات بعثی ۵۰ نفر از مبارزان سیاسی و مذهبی را بازداشت کردند.

همه این اخبار نشان میدهد که بساط استبداد خشن، روز بروز در کشور همسایه ما گسترده تر میشود و همه اقطار و طبقات و محافل را عم از کارگر یا محصل، کمونیست یا روحانی، در معرض یورش خود قرار میدهد. اختناق و آزادیکشی، هنگامیکه به مشی دولتی بدل شود، همه گیر میشود و همه میهن پرستان و آزادیخواهان را طعمه خود میسازد. آنچه اینک در معرض خطر است، سر نوشت و آینده کشور عراق، استقلال و مشی ضد امپریالیستی آنست.

مردم منطقه و همه محافل مترقی با خشم و نگرانی ناظر گسترش دامنه ترور و سرکوبی، دستگیری مردم و بی اطلاعی از سر نوشت مبارزان، صدور احکام زندان و اعدام هستند. ما نیز بنوبه خود علیه خود کامیاب و آزادی-

کنشها اعتراض میکنیم و در کنار خلق برادر عراق هستیم و امیدواریم که این راه خطرناک و بی سرانجام، هر چه زودتر قطع شود و محافل و سازمانها و احزاب مترقی ضد امپریالیستی و دمکراتیک عراق بتوانند در عمل و صادقانه زبان مشترکی پیدا کنند و در راه استقلال و سمادت میهن خود آزادی و بهروزی مردم عراق و بسود امر صلح و امنیت در منطقه با یکدیگر همکاری کنند.

ملاحظات چند

درباره تاریخ انقلاب مشروطیت ایران

بقلم رحیم نامور

منتشر شد

از ضد انقلاب خرنده تا ضد انقلاب خشن

ضد انقلاب هنوز آن قدرت را نیافته که یکباره قدرت حاکم را تصرف کند، ولی این اختیوس هشتپا، که هرپایش هزار نیش مکنده دارد، لحظه به لحظه به پیش میخزد تا سرانجام بتواند طعمه خود ایران مارا دوباره در حلقه چنگهای مرگبار خود بفشرد.

ضد انقلاب اصطلاحی بی محتوی نیست، واژه ای با مفهوم و معنای مشخص است. ضد انقلاب، یعنی امپریالیسم (بویژه امپریالیسم امریکاصیونیسیم) و ارتجاع داخلی وابسته بدانها با عوامل و کارگزارانشان.

ضد انقلاب با واژگون شدن رژیم پهلوی پایگاه سلطه عملیاتی بسیار مهمی را در کشور ما و در منطقه از دست داده، ولی مواضع و مسائل مهم دیگری را هنوز در دست دارد.

ضد انقلاب برای خردیدن به پیش نه فقط از دشواریهای بهره گیری میکند که بعد از هر انقلابی، از جمله انقلاب ما، طمعا پدید میآید، بلکه پاتکاه همان مواضع و بکمک همان وسائلی که در دست دارد، به پیش میخزد و راه را برای پیشرفت سرپیش خود استوار و هموارتر میکند.

اگر کسی تصور کند که هدف انقلاب ایران فقط «برچیدن ساط دیکتاتوری بود و تأمین آزادی و اسلام» و فراموش کند که دیکتاتوری فقط سدی بود که برداشتن آن برای انجام انقلاب ضد امپریالیستی، که محتوی اصلی انقلاب ایران است، لازم بود، اگر کسی انقلاب را در مرحله کنونی تمام شده بداند، بزرگترین و خطرناکترین اشتباهات را مرتکب شده است. دیکتاتوری شاه مخلوع وسیله اسارت ملی ما توسط امپریالیسم بود، برچیدن آن شکستن سد برای طرد امپریالیسم است.

مواضع و وسائلی که هنوز در دست امپریالیسم و ارتجاع وابسته بدان باقی مانده، هم در زمینه نحوه تفکر و عادت در قشر باصلاح متوسط (و عادت خود نیز است)، هم در زمینه اقتصادی (ساختار اقتصادی وابسته تقریباً دست نخورده باقی مانده) هم در زمینه سیاسی و نظامی است. ماهنوز قراردادهای پر شمار تحمیلی با امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیست های امریکائی را لغو نکرده ایم، حتی قراردادی نظیر قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا را که بی کم و کاست سند اسارت ملی است.

سبب عمده این وضع، که خردیدن ضد انقلاب را در راه «تلافی ممکن گردانیده» بی برده باید گفت - روشی بورژوازی لیبرال ایران است که انقلاب را تا همین جا نمی برد، انقلاب را تمام شده می داند، خواستار تمام قدرت حاکمه بخاطر ایستیکه، همه چیز را بصورت سابق منهای استبداد، «سروسامان» دهد. در نظر نمایندگان این طبقه حتی دیگر «مستضعفین» هم وجود ندارند و این واژه را باید بدور انداخت - اصولاً حتی «طبقه» در ایران، نه فقط در حال حاضر بلکه هیچگاه در تاریخ دوران طاغوت ها نیز وجود نداشته است، یاین دلیل که حاج میرزا آقاسی، که به صدر اعظمی ناصرالدین شاه رسید، جلودار قاطر زن ناصرالدین شاه بود، یاللمجب!

با این منطق ازین دیدگاه، نه فقط در ایران و حتی در دوران ناصرالدین شاه و رضاشاه و محمدرضا شاه، بلکه در هیچ کجا، از جمله مثلاً در امریکا، این طبقات وجود نداشته و ندارند، زیرا که جلال فرد نیز که بریاست جمهوری رسید، مثلاً «بوکسور» و «فوتبالیست» بود و کارت «بادام زمینی» میکاشته است!

نمایندگان و سخنگویان این بورژوازی لیبرال - چون از پشت عینک منافع تنگ طبقاتی خویش باوضاع مینگرند، نمیتوانند و یا نمیخواهند ببینند که، اگر ضد انقلاب بتواند مجدداً قدرت حاکمه را بچنگ آورد، به اینان نیز امانی نخواهد داد، اینان گردش تاریخ را بسیار دیده اند، ولی گوئی هیچ چیز نیاموخته اند. اینان خود را یاران و طرفداران دکتر مصدق می دانند، ولی لحظه ای تأمل نمیکند که چرا و چگونه حکومت دکتر مصدق ساقط شد و با ایشان و همین آقایان هوادار دکتر مصدق چگونه رفتار شد.

انقلاب، اگر بخواهیم که شکست نخورد، باید در راه هدف اصلی خود، که ضد امپریالیستی است پیش برود. اقتصاد کشور باید از زیر سلطه و نفوذ و رسوخ سرمایه های انحصارهای امپریالیستی یک ملیتی و چند ملیتی بدر آید، قرارداد های تحمیلی اقتصادی و سیاسی - نظامی با امپریالیسم لغو گردند، تمام دستگاه عظیم اداری، که بهنگام رژیم شاه مخلوع برای خدمت به امپریالیسم و ارتجاع وابسته سازمان یافته بود، از بنیاد نو سازی شود، شهربانی و ژاندارمری بصورت پاسداران نظم و امنیت بسود خلق تحول یابند، ارتش از ریشه به یک ارتش ملی و دموکراتیک بدل گردد.

خلاصه باید حرکت بسوی تأمین استقلال کامل کشور در تمام زمینه های اقتصادی، مالی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره، نه فقط متوقف نشود بلکه همواره با پیگیری و قاطعیت بیشتر، تا رسیدن به هدف نهائی، ادامه یابد و چون این حرکت انقلابی در حال حاضر به رکود کشانده شده، ضد انقلاب از تمام اهرمهایی که در دست دارد، استفاده کرده و میکند و به پیش میخزد. اگر راه بر ضد انقلاب خرنده بسته نشود، دیری نخواهد گذشت که ما با ضد انقلاب خشن روبرو خواهیم شد.

مردم کشور همجوار ما افغانستان با مردم مبین ما، طی قرون و اعصار سر - نوشت تقریباً یکسانی داشته اند و همواره از تعدیات و تجاوزات استعمارگران و استثمارگران خارجی، و بیعدالتی وستم حکومتی ضد خلقی در رنج و عذاب و محروم از حقوق و آزادیهای دموکراتیک بوده اند.

مردم افغانستان نیز در راه کسب استقلال و برانداختن سلطه استعمار خارجی و بدست آوردن آزادی و استقرار نظامی مردمی و عادلانه در مبین خویش، راه پرنشیب و فراز مبارزه ای دشوار را پیموده و در این راه قربانیهای فراوان داده اند. مبارزات مردم این سرزمین علیه امپریالیسم و حکومتیهای جبار و ضد خلقی سرانجام با انقلاب دلیرانه ارتشیان مبین پرست و با شرکت و پشتیبانی همه طبقات زحمتکش، برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به پیروزی انجامید و به نظام فرتوت ضد خلقی و رستمگر در این کشور پایان داد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، در همان نخستین اعلامیه های خود پس از پیروزی انقلاب، برابری حقوق و آزادی همه خلقهای ساکن در این کشور را، بدون وابستگی به تعلقات ملی و مذهبی اعلام داشت و سیاست خارجی خود را بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز و دوستی و همکاری با کشورهای همجوار و بیطرفی و عدم شرکت در پیمانهای نظامی، حمایت و پشتیبانی از جنبش های رهایی بخش ملی و مبارزات ضد امپریالیستی خلقها بنا نهاد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، طی یکسال که از پیروزی انقلاب میگذرد در زمینه بازسازی زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور و احیاء و تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک همه اقشار زحمتکش کشور گامهای موثری

همبستگی با مردم عراق، که زیر بار ظلم و زور گوئی نمیروند

مخالف خاصی که میکوشند جنبه ضد امپریالیستی مردم عراق را به وسیله که شده، تخریب کنند، با انحصار طلبی و تمسب کور، آزادی را از مردم سلب می کنند و با انواع جنایات متوسل میشوند. بنا باخبر منتشره توسط «جنبش مبارزه بر ضد ترور و برای آزادیهای دموکراتیک مردم عراق» که مرکزش در رم (ایتالیا) است، در همین هفته های اخیر نمونه های تکان دهنده ای از اعمال فشارها و ترورها روی داده، که نمیتواند خشم و نفرت همه آزادیخواهان و مخالف ضد امپریالیست جهان را بر نیانگیزد. مثلاً در کاتلین، کنار دجله، جسد جواد الکرخی، که علائم شکنجه روی پیکرش مشاهده میشد، پیدا شده. وی در پسره دانشجو بود، ولی چون از همکاری با حزب بعث سر باز زد، به کاتلین تبعید شده بود. کاتلین جوده فرج دشتیان، به اتهام توهین به حزب بعث عراق، دستگیر و بچهار سال زندان محکوم شده است. در شهر یعقوبیه، باقر شناوه، کارمند دامپزشکی، توسط عمال سازمان امنیت عراق دستگیر شده و تاکنون از وی خبری نیست. همچنین رفیق سلام الناصری، یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و عضو هیئت تحریریه روزنامه طریق الشعب و رفیق محمد کریم فتح الله، عضو هیئت

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

گروه مردم	۴۴۴	۵۰۰۰۰	ریال
شماره	۲۲۴	۱۰۰۰	»
»	۲۱۹	۲۰۰۰	»
»	۲۲۲	۱۰۰۰	»
»	۲۱۸	۱۰۰۰	»
»	۲۲۰	۱۵۰۰	»
»	۲۱۷	۲۰۰۰	»
»	۲۱۹	۲۰۰۰	»
»	۶۳۷	۲۰۰۰	»
راه آهن	۱۲۷	۱۰۰۰	»
خانم الفکازرشت	۲۲۰۰۰	»	»
کارمندان ویرایش دانشگاه آزاد	۱۵۰۰۰	»	»
محبوب	۱۵۰۰۰	»	»

به تیرگی کشاندن روابط ایران و افغانستان، به نفع انقلاب ایران نیست

زحمتکشان و بویژه توده های وسیع دهقانان افغانستان، که به برکت پیروزی انقلاب در این کشور، از بندهای استعمار و استثمار و جور و ستم قرون وسطائی خانها و فئودالها رهایی یافته و به حقوق و آزادیهای دموکراتیک رسیده اند، در اکثریت مطلق خود از دین اسلام پیروی میکنند و مسلمانان مومنی هستند و همان مستضعفین را تشکیل میدهند. اقلیت استثمارگر و ستمگر نیز که تا قبل از انقلاب خون این مستضعفین را چون زالو می مکید و به استعمار و امپریالیسم جهانی تکیه داشت، خود را مسلمان مینامد، همچنانکه شاه مخلوع ایران و رژیم ساواکیش خود را مسلمان و مدافع دین اسلام وانمود میکردند. پس در این مورد هم، میان مردم زحمتکش و مسلمان افغانستان، که علیه ظلم و ستم انقلاب

برداشته است. طبیعی است که این اقدامات و بویژه اصلاحات ارضی و کشاورزی بفتح توده های وسیع دهقانان بی زمین و کم زمین، که هدفش ریشه کن کردن نظام فئودالی و حتی مابقی فئودالی در روستاهای افغانستان است، حس خصومت و کین تیزی ایلخانان و فئودالها و دیگر طبقات ستمگر، که سالیان دراز زالوار ازین توده های ستم دیده خون میکیدند، برمی انگیزد. محافل ارتجاعی و امپریالیسم جهانی، که بنا به سرشت ضد خلقی خود دشمن سوگند خورده و هر انقلاب و تحول بفتح توده های زحمتکش و دول مستقل و ملی هستند، به پشتیبانی و تحریک نیروها و عناصر ضد انقلاب و ضد مردمی برمی خیزند و بازای مدافعان و حقوق بشر، و یا زیر عنوانین مختلف دیگر، به توطئه و خرابکاری علیه انقلاب دست میزنند.

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

انقلاب ایران را دنبال کرده اند، به مبارزه کنونی شما، که هدفش تحکیم پیروزی های انقلاب ایران و راندن آن به پیش و از بین بردن مشکلاتی است که انقلاب با آن روبرو است، و همچنین تحکیم دوستی ایران با جنبش آزادیبخش عرب و جنبش های آزادیبخش در سراسر جهان و نیز پشتیبانی از جنبش مقاومت فلسطین و تحکیم دوستی با همسایه ایران، اتحاد جماهیر شوروی است، با دیده تحسین مینگرند.

کمیته های سوریه پشتیبانی شما را از رهبری آیت الله خمینی و کوشش شما را برای همکاری با نیروهای مذهبی و نیروهای چپ و مترقی دیگر، بمنظور تأمین دورنمای دموکراتیک برای جمهوری اسلامی ایران و تصویب قانون اساسی جدید بر پایه ضد امپریالیستی، دموکراتیک و ترقیخواهانه و بسود توده ها و خلقها، شاد باش میگوید.

کمیته های سوریه از کوشش های شما برای پایان دادن به ترورهای خونین که بوسیله امپریالیسم و ارتجاع و بدست بقایای ارگانهای جنایتکار ساواک صورت میگردد، تقدیر میکنند. ما برای مردم شجاع ایران و نیروهای پیشرو و طبقه کارگر و توده های زحمتکش در شهر و روستا، تحکیم جمهوری نوژاد و حرکت آنرا در راه پیروزیهای عمیق تر در تمام زمینه ها، آرزو میکنیم.

ما برای شما پیروزی های بازم بیشتر و گسترده تری را در مبارزه بیدریغ شما در راه هدفهای مردم ایران، در راه آزادی، دموکراسی، پیشرفت و سوسیالیسم آرزو مندیم. کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه دبیر کل، خالد بکداش

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه بنام کمیته های سوریه و دوستان آنها و بنام تمام کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی سوریه بشما، و بوسیله شما بنام اعضای حزب شما، گرمترین درودهای پیکار جویانه و رفیقانه را بمناسبت پیروزی انقلاب ایران و بازگشت حزب شما به مبارزه علنی و انتشار ارگان مرکزی شما «مردم» تقدیم میدارد.

انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، با از بین بردن رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری اسلامی، با وارد آوردن ضربت به نفوذ امپریالیسم امریکا، از بین بردن پایگاههای نظامی امریکا، رهایی ایران از پیروی سیاسی و نظامی از امریکا و آزاد کردن ثروتهای نفتی ایران از تسلط انحصارات نفتی جهانی به پیروزی بزرگی نائل آمده است.

ایران در نتیجه این انقلاب از پیمان امپریالیستی سنتز خارج شده، روابط خود را با اسرائیل و رژیم جنایتکار سادات قطع کرده، سازمان آزادیبخش فلسطین را بر رسمیت شناخته و پشتیبانی خود را از نبرد اعراب علیه اشغال اراضی آنها توسط اسرائیل و مبارزه ملتها علیه امپریالیسم اعلام کرده است.

در انقلاب ایران، که رهبری آن از جانب پیشوای ملی آیت الله خمینی انجام گرفته است، گسترده ترین قشرهای مردم ایران، کارگران، کشاورزان، دانشجویان، روشنفکران، ارتشیان و بازرگانان شرکت کرده اند. این انقلاب نتیجه مبارزات طولانی و دشواری است که مبارزان ملی ایران طی دهها سال انجام داده اند.

حزب شما نقش مؤثری در مجموع این مبارزه ایفا کرده است. حزب توده ایران، طی دهها سال، علیه استبداد سلطنتی، علیه تسلط امپریالیسم، برای دموکراسی و مصالح مردم مبارزه کرده و در این راه شهادت بسیاری داده است. بسیاری از اعضای این حزب به زندانها افتاده و سالهای دراز را در آنجا گذرانده اند. همین دلیل حزب توده ایران مورد احترام و محبت مردم ایران و توده های زحمتکش قرار گرفته است. کمیته های سوریه، که حوادث

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۳۵۹

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق